

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روایات صحیح السند «مهدویت» از طریق اهل بیت علیهم السلام

فهرست مطالب

مقدمه

تواتر احادیث مهدویت از دیدگاه اهل تسنن و وهابیت

علامه قرطبی: احادیث مهدویت صحیح و متواتر هستند

سفارینی الحنبلی: روایات مهدویت متواتر معنوی است و منکر آن کافر

أبو الحسین الأبری: روایات مهدویت متواتر هستند:

محمد بن علی الشوکانی: روایات مهدویت بدون شک متواتر هستند

محمد بن جعفر الکتانی: ابن خلدون اشتباه کرده، روایات مهدویت متواتر است

عظیم آبادی: احادیث مهدی منتظر متواتر است

بن باز مفتی اعظم عربستان: هر کس منکر مهدویت شود، کافر است

چهل حدیث صحیح در باره مهدویت از طریق اهل بیت علیهم السلام

دسته اول: تصریح به نام و نسب حضرت مهدی فرزند امام عسکری علیهما السلام

۱. نام تک تک ائمه از زبان امام جواد علیه السلام

۲. نام تک تک ائمه (ع) از زبان امام صادق علیه السلام

۳. امام رضا علیه السلام: امام بعد از من فرزندانم امام جواد و... و حجت منتظر هستند

۴. خداوند پروردگارم، محمد پیامبرم، علی، حسن، حسین و... و حجت بن الحسن

امامانم هستند.

دسته دوم: امام عسکری علیه السلام به شیعیانش خبر داد که صاحب فرزند شده

است:

۵. خبر دادن به ابو هاشم جعفری

۶. خبر دادن به محمد بن علی بن بلال

۷. خبر به ابو هاشم جعفری: به زودی صاحب فرزند خواهم شد:

دسته سوم: دیده شدن حضرت مهدی علیه السلام در زمان غیبت

۸. عثمان بن سعید العمری:

۹. محمد بن عثمان العمری در کنار خانه خدا

۱۰. محمد بن عثمان العمری:

۱۱. توصیف حضرت حجت علیه السلام توسط عثمان بن سعید العمری

دسته چهارم: حضرت مهدی علیه السلام نهمین فرزند، از نسل امام حسین علیه

السلام است

۱۲. رسول خدا صلی الله علیه وآله:

۱۳. امیرمؤمنان علیه السلام:

۱۴. امام باقر علیه السلام:

دسته پنجم: چهارمین فرزند از فرزندان امام رضا علیه السلام

۱۵. روایت امام رضا علیه السلام

دسته ششم: مخفی بودن ولادت حضرت مهدی علیه السلام

۱۶. امام رضا علیه السلام: ولادت مهدی علیه السلام مخفی اما نسبش آشکار

دسته هفتم: پیش بینی غیبت حضرت مهدی علیه السلام

۱۷. شبیه ترین فرد به رسول خدا (ص) از نظر سیرت و صورت:

۱۸. غیبت کبری و غیبت صغری:

دسته هشتم: وظایف شیعیان در دوران غیبت

۱۹. اگر امام شما غائب شد، آن را انکار نکنید:

۲۰. به آن چه پیش از غیبت آموخته‌اید عمل کنید:

۲۱. هرکس امام زمانش را بشناسد، انگار که با حضرت قائم علیه السلام در

خیمه‌اش حضور دارد:

۲۲. اگر دورانی رسید که امام خود را نیافتید، به خداوند پناه ببرید و...

۲۳. در دوران غیبت بر اعتقاداتان استوار بمانید:

۲۴. مردم دوران غیبت، نزدیک‌ترین افراد به خداوند

دسته نهم: تأویل آیات در باره حضرت مهدی علیه السلام

۲۵. حضرت حجت علیه السلام آیت منتظره خداوند
۲۶. امام زمان علیه السلام نعمت باطنی خداوند
- دسته دهم: شباهت امام زمان علیه السلام به پیامبران
۲۷. چهار سنت انبیاء علیهم السلام در حضرت صاحب الامر علیه السلام:
- دسته یازدهم: حرمت تعیین وقت ظهور
۲۸. تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند
- دسته دوازدهم: حرمت نام بردن آن حضرت در زمان غیبت
۲۹. امام صادق علیه السلام
۳۰. امام هشتم علیه السلام
- دسته سیزدهم: اتفاقات قبل از ظهور
۳۱. جبرئیل نخستین کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند:
۳۲. سیصد و سیزده یار حضرت مهدی علیه السلام
۳۳. صالح و بد کردار را می شناسد
۳۴. برای حکم کردن نیازی به بینه و شاهد ندارد:
۳۵. بعد از ظهور، ساکن پشت نجف (کوفه) می شود و فرشتگان او را همراهی و کمک می کنند:
۳۶. پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در نجف به اهتزاز درمی آورد
- دسته چهاردهم: اتفاقات و علائم ظهور
۳۷. خروج سفیانی، کشته شدن نفس زکیه و...
۳۸. قبل از ظهور مردم به گرسنگی و... امتحان می شوند
۳۹. ندای جبرئیل قبل از ظهور
۴۰. کشته شدن پانزده جوان میان مکه و مدینه
- نتیجه نهایی

مقدمه

اعتقاد به مهدویت و منجی آخر الزمان، یکی از اعتقاداتی است که تمام مسلمانان بر قبول آن اتفاق دارند و تأکید دارند که شخصی در آخر الزمان از نسل حضرت زهرا سلام الله علیها قیام خواهد کرد و زمین را که پر از ظلم و جور شده است، از عدل و داد آکنده می‌سازد. متأسفانه در این اواخر دیده شده است که برخی از علمای وهابی در این مسأله تشکیک کرده و می‌گویند که روایات مهدویت از طریق اهل تسنن با سند صحیح نقل نشده است؛ بلکه حد اکثر «حسن» هستند. به همین خاطر اثبات اصل مهدویت ممکن نیست و تشکیک در آن اشکالی ندارد.

برخی دیگر پارا فراتر گذاشته و ادعا کردند که حتی از طریق شیعه نیز اصل مهدویت قابل اثبات نیست و هیچ روایت صحیحی در این زمینه وجود ندارد. گاهی نیز ادعا کرده‌اند که حتی یک روایت صحیح وجود ندارد که امام حسن عسکری علیه السلام صاحب فرزند شده باشند.

در پاسخ به این شبهه واهی که بیشتر بی‌سوادی و عناد گوینده‌اش را ثابت می‌کند، بر آن شدیم تا مقاله‌ای در این زمینه تهیه نماییم تا چهره واقعی شبهه افکنان برای مردم منصف و متدین آشکارتر شود.

از دیدگاه ما، روایات مهدویت چه از طریق اهل تسنن و چه از طریق اهل البیت علیهم السلام، با سندهای صحیح و بلکه به صورت متواتر نقل شده است. ما در ابتدا تصریحات بزرگان اهل سنت و حتی وهابی را در باره «تواتر احادیث مهدویت» نقل و سپس به موضوع احادیث شیعیان در این زمینه خواهیم پرداخت.

تواتر احادیث مهدویت از دیدگاه اهل تسنن و وهابیت

تعداد زیادی از علماء و بزرگان اهل تسنن و حتی وهابی تصریح کرده‌اند که احادیث مهدویت متواتر هستند و حتی برخی از آن‌ها گفته‌اند که منکران حضرت مهدی علیه السلام کافر هستند. ما به جهت اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم:

علامه قرطبی: احادیث مهدویت صحیح و متواتر هستند

قرطبی، تفسیر پرداز شهیر اهل سنت در تفسیر خود در ذیل آیه مبارکه ۳۳ از سوره توبه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!» می‌نویسد:

وقال السدي: ذاك عند خروج المهدي لا يبقى أحد إلا دخل في الإسلام أو أدى الجزية وقيل:

المهدي هو عيسى فقط وهو غير صحيح لأن الأخبار الصحاح قد تواترت على أن المهدي من عتره رسول الله صلى الله عليه وسلم فلا يجوز حمله على عيسى.

سدی گفته: این وعده خداوند در زمان خروج حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد، همان زمانی که کسی باقی نمی‌ماند؛ مگر این که مسلمان می‌شود یا جزیه پرداخت می‌کند.

گفته شده است که مهدی، همان عیسی علیه السلام است نه کس دیگری. این سخن درست نیست؛ زیرا روایات صحیح به صورت متواتر نقل شده است که مهدی علیه السلام از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ پس جایز نیست که آن را بر عیسی علیه السلام حمل کنیم.

الأصاري القرطبي، ابو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح (متوفای ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن، ج ۸، ص ۱۲۲، ناشر: دار الشعب - القاهرة.

سفارینی الحنبلی: روایات مهدویت متواتر معنوی است و منکر آن کافر

محمد بن أحمد بن سالم السفارینی الحنبلی متوفای ۱۱۸۸هـ در کتاب لوامع الأنوار البهية، تصریح می‌کند که روایات مهدویت متواتر معنوی است، او از فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها است و سپس می‌گوید که بر اساس روایات، هر کس منکر حضرت مهدی علیه السلام شود، کافر است:

” ومنها ”: أي من أشراف الساعة التي وردت بها الأخبار وتواترت في مضمونها الآثار أي من العلامات العظمى وهي أولها أن يظهر «الإمام» المقتدى بأقواله وأفعاله «الخاتم» للأئمة فلا إمام بعده كما أن النبي صلى الله عليه وسلم هو الخاتم للنبوّة والرسالة فلا نبي ولا رسول بعده....
وأما نسبه فإنه من أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وسلم.

ثم إن الروايات الكثيرة والأخبار الغزيرة ناطقة أنه من ولد فاطمة البتول ابنة النبي الرسول صلى الله عليه وسلم ورصي عنها وعن أولادها الطاهرين، وجاء في بعض الأحاديث أنه من ولد العباس والأول أصح...

قال بعض حفاظ الأمة وأعيان الأئمة أن كون المهدي من ذريته صلى الله عليه وسلم مما تواتر عنه ذلك فلا يسوغ العدول ولا الالتفات إلى غيره....

قد كثرت الأقوال في المهدي حتى قيل لا مهدي إلا عيسى، والصواب الذي عليه أهل الحق أن المهدي غير عيسى وأنه يخرج قبل نزول عيسى عليه السلام، وقد كثرت بخروجه الروايات حتى بلغت حد التواتر المعنوي وشاع ذلك بين علماء السنة حتى عد من معتقداتهم.

وقد روى الإمام الحافظ ابن الإسكاف بسند مرضي إلى جابر بن عبد الله رضي الله عنهما قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «من كذب بالدجال فقد كفر ومن كذب بالمهدي فقد كفر»...

فالإيمان بخروج المهدي واجب كما هو مقرر عند أهل العلم ومدون في عقائد أهل السنة والجماعة وكذا عند أهل الشيعة أيضا لكنهم زعموا أنه محمد بن الحسن العسكري كما تقدم.

خروج حضرت مهدي عليه السلام یکی از علامت‌های قیامت است که روایات در این باره وارد شده است و مضمون این روایات متواتر است. یکی از علامت‌های بزرگ قیامت و نخستین آن‌ها این است که امامی ظهور می‌کند که لازم است به گفتار و کردار او اقتدا شود، او خاتم امامت است و هیچ امامی پس از او نخواهد آمد؛ همان طوری که رسول خدا صلی الله علیه وآله خاتم نبوت و رسالت بود و هیچ نبی و رسولی بعد از او نخواهد آمد.

اما نسب او: به درستی که او از خاندان رسول خدا صلی الله علیه وآله است. زیرا روایات بسیاری در این باره وارد شده است که ثابت می‌کند او از نسل فاطمه زهرا دختر رسول خدا صلی الله علیه وآله است. در برخی از روایات آمده است که او از نسل عباس است؛ ولی روایات دسته اول صحیح‌تر هستند.

بعضی از حفاظ و سرشناسان ائمه گفته‌اند: این که حضرت مهدي از نسل رسول خدا صلی الله علیه وآله است، به صورت متواتر نقل شده است؛ پس جایز نیست که ما از آن عدول و به دیگر اقوال توجه کنیم.

در باره حضرت مهدي دیدگاه‌های متعددی وجود دارد؛ تا جایی که برخی گفته‌اند: مهدي همان عیسی است. اما نظر درست که پیروان حق آن را قبول دارند، این است که مهدي غیر از حضرت عیسی علیه السلام است،

او قبل از نزول عیسی خروج می‌کند. روایات در این باره بسیار زیاد است؛ به طوری که به حد تواتر معنوی می‌رسد. این روایات در علمای اهل سنت منتظر شده و از اعتقادات آن‌ها شده است.

امام و حافظ ابن اسکاف با سند مقبول از جابر بن عبد الله نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس (خروج) دجال را تکذیب کند، کافر شده است، هر کس (خروج) حضرت مهدی علیه السلام را تکذیب کند، به درستی که کافر شده است

پس ایمان به خروج مهدی واجب است؛ چنانچه اهل عمل بر همین اعتقاد هستند و از اعتقادات اهل سنت و جماعت نیز به شمار می‌رود. همان طوری که شیعیان نیز بر این مسأله اعتقاد دارند؛ اما گمان کرده‌اند که حضرت مهدی همان محمد بن الحسن العسکری علیهما السلام است.

السفاریني الحنبلي، محمد بن أحمد بن سالم (متوفای ۱۱۸۸هـ)، لوامع الأنوار الهیة وسواطع الأسرار الأثریة، ج ۲، ص ۷۰، ۸۳، ناشر: المکتب الإسلامی.

أبو الحسين الأبري: روایات مهدویت متواتر هستند:

أبو الحسين محمد بن الحسين الأبري السجستاني متوفای ۳۶۳هـ در کتاب مناقب الامام الشافعی تصریح کرده است که روایات مهدویت متواتر است. مزی در تهذیب الکمال و ابن قیم الجوزیه در کتاب المنار المنيف نوشته‌اند:

قال أبو الحسن الأبري: قد تواترت الاخبار استفاضت بكثرة روايتها عن المصطفى صلى الله عليه وسلم، يعني في المهدي، وأنه من أهل بيته، وأنه يملك سبع سنين ويملا الأرض عدلا، وأنه يخرج عيسى بن مريم فيساعده على قتل الدجال بباب لد بأرض فلسطين، وإنه يؤم هذه الأمة، وعيسى صلوات الله عليه يصلي خلفه.

ابو الحسن الأبري گفته: روایات به صورت متواتر و از طریق راویان متعدد از رسول خدا صلی الله علیه وآله در باره حضرت مهدی علیه السلام نقل شده است که او از اهل بیت آن حضرت است، هفت سال حکومت می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، او همان کسی است که حضرت عیسی به همراه او خروج کرده و او را در کشتن دجال در دروازه‌ای که در سرزمین فلسطین وجود دارد، یاری می‌کند. او امام این امت خواهد شد و عیسی پشت سر او نماز می‌خواند.

المزي، ابوالحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفای ۷۴۲هـ)، تهذیب الکمال، ج ۲۵، ص ۱۴۹، تحقیق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰هـ - ۱۹۸۰م؛

الزرعي الدمشقي الحنبلي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أبي بكر أيوب (مشهور به ابن القيم الجوزية) (متوفای ۷۵۱هـ)، المنار المنيف في الصحيح والضعيف، ج ۱، ص ۱۴۲، تحقیق: عبد الفتاح أبو غدة، ناشر: مکتب المطبوعات الإسلامية - حلب، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۳هـ

محمد بن علی الشوکانی: روایات مهدویت بدون شک متواتر هستند

علامه محمد بن علی الشوکانی کتابی با عنوان «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر والدجال والمسیح» دارد، در این کتاب تصریح کرده است که روایات مهدویت بدون شک متواتر است. محمد بن جعفر کتانی در کتاب نظم المتناثر سخنان شوکانی نقل کرده است:

وللقاضي العلامة محمد بن علي الشوكاني اليمني رسالة سماها التوضيح في تواتر ما جاء في المنتظر والدجال والمسيح قال فيها والأحاديث الواردة في المهدي التي أمكن الوقوف عليها منها خمسون حديثا في الصحيح والحسن والضعيف المنجبر وهي متواترة بلا شك ولا شبهة بل يصدق وصف التواتر على ما دونها على جميع الاصطلاحات المحررة في الأصول وأما الآثار عن الصحابة المصرحة بالمهدي فهي كثيرة أيضا لها حكم الرفع إذ لا مجال للاجتهاد في مثل ذلك اه.

قاضی علامه محمد بن علی الشوکانی یمنی رساله‌ای دارد که عنوان او را «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر والدجال والمسیح» گذاشته است. در این کتاب گفته: احادیثی که در باره حضرت مهدی علیه السلام که امکان دسترسی به آن‌ها وجود دارد، پنجاه روایت است که برخی از آن‌ها صحیح، برخی حسن و تعداد دیگری ضعیفی است که ضعف آن‌ها قبل جبران است. بدون شک و تردید این روایات متواتر است. بلکه گاهی به روایتی که کمتر از روایات مهدویت بوده، بنابر تمام مبناهایی که در علم اصول وجود دارد، متواتر گفته شده است. اما روایتی که از صحابه آمده و در آن به مهدی تصریح شده است، زیاد هستند که به همه آن‌ها حکم مرفوع (روایتی که صحابی از پیامبر نقل می‌کند) داده می‌شود؛ زیرا محال است که آن‌ها در چنین مسأله‌ای اجتهاد کرده باشند.

الکتانی، ابو عبد الله محمد بن جعفر (متوفای: ۱۳۴۵ هـ)، نظم المتناثر من الحدیث المتواتر، ج ۱، ص ۲۲۷، تحقیق: شرف حجازی، ناشر: دار الکتب السلفية - مصر.

محمد بن جعفر الکتانی: ابن خلدون اشتباه کرده، روایات مهدویت متواتر است

محمد بن جعفر کتانی در کتاب نظم المتناثر در رد کلام ابن خلدون می‌نویسد که روایات مهدویت متواتر است؛ پس انکار آن شایسته نیست:

وتتبع ابن خلدون في مقدمته طرق أحاديث خروجه مستوعبا لها على حسب وسعة فلم تسلّم له من علة لكن ردوا عليه بأن الأحاديث الواردة فيه على اختلاف رواياتها كثيرة جدا تبلغ حد التواتر وهي عند أحمد والترمذي وأبي داود وابن ماجه والحاكم والطبراني وأبي يعلى الموصلي والبزار وغيرهم من دواوين الإسلام من السنن والمعاجم والمسانيد وأسندوها إلى جماعة من الصحابة.

فإنكارها مع ذلك مما لا ينبغي والأحاديث يشد بعضها بعضا ويتقوى أمرها بالشواهد والمتابعات وأحاديث المهدي بعضها صحيح وبعضها حسن وبعضها ضعيف وأمره مشهور بين الكافة من أهل الإسلام على ممر الأعصار وأنه لا بد في آخر الزمان من ظهور رجل من أهل البيت النبوي يؤيد الدين ويظهر العدل ويتبعه المسلمون ويستولي على الممالك الإسلامية ويسمى بالمهدي.

ابن خلدون در مقدمه خودش طريق‌های روایات خروج حضرت مهدی علیه السلام را به اندازه توان خودش تحقیق کرده و هیچ روایتی را بدون اشکال نمانده است؛ ولی علماء سخن او را کرده و گفته‌اند که روایات وارده در این زمینه با اختلافاتی که دارد، بسیار زیاد است و به حد تواتر می‌رسد. این روایات را احمد، ترمذی، ابو داود، ابن ماجه، حاکم، طبرانی، ابو یعلی، بزار و دیگران در کتاب‌های سنن، معاجم و مسانید نقل کرده‌اند و آن‌ها را به گروهی از صحابه نسبت داده‌اند.

بنابراین انکار آن‌ها شایسته نیست و این احادیث با توجه به شواهد و متابعتی که دارد، همدیگر را تقویت می‌کنند. برخی از احادیث مهدویت صحیح، برخی حسن و برخی ضعیف هستند. مسأله مهدویت بین تمام مسلمانان در تمام زمان‌ها مشهور است که حتما در آخر الزمان مردی از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ظهور می‌کند، دین را تقویت و عدالت را آشکار می‌کند. مسلمانان او را همراهی کرده و بر تمام ممالک اسلامی حکومت خواهد کرد و «مهدی» نامیده می‌شود.

الکتانی، ابوعبد الله محمد بن جعفر (متوفای: ۱۳۴۵ هـ)، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، ج ۱، ص ۲۲۷، تحقیق: شرف حجازی، ناشر: دار الکتب السلفية - مصر.

عظیم آبادی: احادیث مهدی منتظر متواتر است

شمس الحق عظیم آبادی در کتاب عون المعبود، پس از نقل کلام محمد بن علی شوکانی و دیگر علمای اهل سنت در این باره، می‌نویسد:

فتقرر بجميع ما سقناه أن الأحاديث الواردة في المهدي المنتظر متواترة والأحاديث الواردة في الدجال متواترة والأحاديث الواردة في نزول عيسى عليه السلام متواترة

پس با تمام آن چیزهایی که ما برشمردیم، ثابت می‌شود که احادیث وارد شده در باره مهدی منتظر، متواتر هستند، همچنین احادیث دجار و نزول عیسی علیه السلام متواتر هستند.

العظیم آبادی، محمد شمس الحق (متوفای ۱۳۲۹ هـ)، عون المعبود شرح سنن أبي داود، ج ۱۱، ص ۳۰۸، ناشر: دار الکتب العلمية - بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۹۹۵ م.

بن باز مفتی اعظم عربستان: هر کس منکر مهدویت شود، کافر است

عبد العزیز بن باز مفتی اعظم سابق عربستان سعودی، یکی از چهره‌های شرسناس وهابیت در زمان معاصر از کسانی است که اعتقاد به مهدویت را پذیرفته و احادیث آن را متواتر دانسته است:

فأمر المهدي أمر معلوم والأحاديث فيه مستفيضة بل متواترة متعاضدة، وقد حكى غير واحد من أهل العلم: تواترها، كما حكاه الأستاذ في هذه المحاضرة، وهي متواترة تواترا معنويا لكثرة طرقها واختلاف مخارجها وصحابتها ورواتها وألفاظها، فهي بحق تدل على أن هذا الشخص الموعود به أمره ثابت وخروجه حق...

وقد اطلعت على كثير من أحاديثه فرأيتها كما قال الشوكاني وغيره، وكما قال ابن القيم وغيره: فيها الصحيح وفيها الحسن، وفيها الضعيف المنجبر، وفيها أخبار موضوعة، ويكفينا من ذلك ما استقام سنده، سواء كان صحيحا لذاته أو لغيره، وسواء كان حسنا لذاته أو لغيره، وهكذا الأحاديث الضعيفة إذا انجبرت وشد بعضها بعضها فإنها حجة عند أهل العلم. فإن المقبول عندهم أربعة أقسام: صحيح لذاته، وصحيح لغيره، وحسن لذاته، وحسن لغيره.

هذا ما عدا المتواتر، أما المتواتر فكله مقبول سواء كان تواتره لفظيا أو معنويا، فأحاديث المهدي من هذا الباب متواترة تواترا معنويا، فتقبل بتواترها من جهة اختلاف ألفاظها ومعانيها وكثرة طرقها وتعدد مخارجها، ونص أهل العلم الموثوق بهم على ثبوتها وتواترها.

وقد رأينا أهل العلم أثبتوا أشياء كثيرة بأقل من ذلك، والحق أن جمهور أهل العلم - بل هو اتفاق منهم - على ثبوت أمر المهدي، وأنه حق، وأنه سيخرج في آخر الزمان. أما من شذ عن أهل العلم في هذا الباب فلا يلتفت إلى كلامه في ذلك.

مسألة مهدویت، یک مسأله قطعی است و احادیث در این زمینه مستفیضه و بلکه متواتر هستند و هم‌دیگر را تقویت می‌کنند. چندین نفر از اهل علم تواتر آن را بازگو کرده‌اند؛ چنانچه استاد در همین مجلس نیز آن را حکایت کرد.

این روایات متواتر معنوی است؛ زیرا طرق آن بسیار زیاد، ناقلین از صحابه و دیگران زیاد است و با الفاظ متعدد نقل شده است؛ پس به درستی دلالت می‌کنند که آمدن این شخص وعده داده شده، قطعی و خروج او حق است.

من روایات مهدویت را زیاد مطالعه کردم؛ پس آن‌ها را همان‌طور یافتم که شوکانی و دیگران گفته‌اند، همان‌طور که ابن‌قیم و دیگران گفته‌اند: برخی از روایات آن صحیح و برخی دیگر حسن هستند. همچنین در میان آن‌ها روایت ضعیف که قابل جبران است وجود دارد و احادیث جعلی نیز دیده می‌شود. برای ما آن روایاتی که سندش استقامت دارند، کفایت می‌کنند، چه صحیح لذاته باشد یا صحیح لغيره. چه حسن لذاته باشد و چه حسن

لغيره. همچنین اگر احادیث ضعیف جبران شوند و همدیگر را تقویت کنند، از دیدگاه اهل علم حجت هستند؛ زیرا از دیدگاه علما روایات مقبول چند دسته هستند: ۱. صحیح لذاته؛ ۲. صحیح لغيره؛ ۳. حسن لذاته و حسن لغيره.

آن چه گفته شد، بدون در نظر گرفتن تواتر آن است؛ اما روایات متواتر همگی آن ها پذیرفته شده است؛ چه تواتر لفظی باشد و چه تواتر معنوی؛ پس احادیث مهدی از این باب است و تواتر معنوی دارند؛ پس با توجه به تواتر آن ها و اختلاف در الفاظ و معانی و کثرت طرق و مخارجش پذیرفته می شوند. اهل علم که به آن ها اعتماد می شود، بر متواتر بودن آن ها تصریح کرده اند

گاهی می بینیم که اهل علم، چیزهای زیادی را قبول می کنند، با این که سندهای آن ها کمتر از احادیث مهدویت هستند. حق این است که عموم اهل علم و بلکه تمام آن ها اتفاق دارند که مسأله مهدی ثابت است، این مسأله حق است و او در آخر الزمان خروج خواهد کرد؛ اما سخن افراد شاذ از اهل علم در این باره، ارزش توجه کردن ندارد.

ابن باز، عبد العزیز بن عبد الله، مجموع فتاوی و مقالات متنوعه، الجزء الرابع، ص ۹۸ - ۹۹، جمع و ترتیب: دکتر محمد سعد الشویعر، ناشر: موقع بن باز.

<http://www.binbaz.org.sa/mat/۸۲۲۲>

و بازم در جای دیگر تأکید می کند که روایات مهدویت متواتر است و هر کس انکار کند، کافر است:

إنكار الدجال ونزول عيسى عليه السلام

يوجد لدينا رجل ينكر المسيح الدجال والمهدي ونزول عيسى عليه السلام ويأجوج ومأجوج ولا يعتقد في شيء منها، ويدعي عدم صحة ما ورد في ذلك من أحاديث، مع العلم بأنه لا يفقه شيئاً في علم الحديث ولا في غيره، وقد نوقش في هذه الأمور من قبل علماء ولكنه يزعم أن كل الأحاديث الواردة في هذه الأمور مكذوبة على النبي صلى الله عليه وسلم ودخيلة على الإسلام، وهو يصلي ويصوم ويأتي بالفرائض. فما حكمه؟ وفقكم الله.

مثل هذا الرجل يكون كافراً والعياذ بالله؛ لأنه أنكر شيئاً ثابتاً عن رسول الله عليه الصلاة والسلام، فإذا كان بين له أهل العلم ووضحوا له ومع هذا أصر على تكذيبها وإنكارها فيكون كافراً؛ لأن من كذب الرسول صلى الله عليه وسلم فهو كافر، ومن كذب الله فهو كافر، وقد صحت وتواترت هذه الأخبار عن رسول الله عليه الصلاة والسلام في نزول المسيح ابن مريم من السماء في آخر الزمان، ومن خروج يأجوج ومأجوج وخروج الدجال في آخر الزمان، ومن مجيء المهدي، كل هذا الأربعة ثابتة: المهدي في آخر الزمان يملأ الأرض قسطاً بعد أن ملئت جوراً، ونزول المسيح ابن مريم، وخروج الدجال في آخر الزمان، وخروج يأجوج ومأجوج، كل هذا ثابت بالأحاديث الصحيحة المتواترة عن رسول الله صلى الله عليه وسلم، فإنكارها كفر وضلال نسأل الله العافية والسلامة.

فالدجال والمسيح ابن مريم وياجوج ومأجوج؛ هؤلاء الثلاثة ليس فيهم شك ولا ريب تواترت فيهم الأخبار عن الرسول صلى الله عليه وسلم، وأما المهدي فقد تواترت فيه الأخبار أيضاً، وحكى غير واحد أنها تواترت عن النبي صلى الله عليه وسلم، لكن لبعض الناس فيها إشكال وتوقف، فقد يتوقف في كفر من أنكر المهدي وحده فقط.

أما من أنكر الدجال أو المسيح ابن مريم أو ياجوج ومأجوج فلا شك في كفره ولا توقف وإنما التوقف في من أنكر المهدي فقط، فهذا قد يقال بالتوقف في كفره وردته عن الإسلام؛ لأنه قد سبقه من أشكل عليه ذلك؛ والأظهر في هذا والأقرب في هذا كفره، وأما ما يتعلق بياجوج ومأجوج والدجال والمسيح ابن مريم فقد كفر نسأل الله العافية.

سؤال کننده: در این جا افرادی دیده می شود که دجال، مهدی و نزول عیسی و یاجوج و مأجوج را منکر می شود و به هیچ یک از آن ها اعتقاد ندارند و ادعا می کنند که روایات وارد شده در این زمینه ها صحت ندارد؛ با این که این افراد در باره علم حدیث و دیگر علوم تخصص ندارند. گاهی از جانب علماء نیز مناقشه می شود و آن ها خیال می کنند که احادیث وارد شده در این زمینه ها دروغ بر پیامبر است و وارد اسلام شده است؛ در حالی که این افراد نماز می خوانند، روزه می گیرند و واجبات را نیز انجام می دهند. حکم این مسأله چیست؟

پاسخ بن باز: چنین شخصی کافر است؛ زیرا او چیزی را انکار کرده است که از رسول خدا صلی الله علیه وآله ثابت شده است؛ پس اگر اهل علم آن را توضیح دهند و مسأله را روشن کنند؛ در عین حال اصرار بر تکذیب و انکار این روایات داشته باشد، کافر است؛ زیرا کسی که رسول خدا را تکذیب کند، کافر است. کسی که خداوند را تکذیب کند، کافر است.

روایات نزول مسیح پسر مريم در آخر الزمان از آسمان، خروج یاجوج و مأجوج، خروج دجال در آخر الزمان و آمدن مهدی با سند صحیح و به صورت متواتر نقل شده است. هر کدام از این چهار مورد قطعی است: مهدی در آخر الزمان زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ پس از آن که پر از جور می شود. همچنین نزول عیسی بن مريم، خروج دجال در آخر الزمان و خروج یاجوج و مأجوج. همه این موارد با سندهای صحیح و متواتر از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده است؛ پس انکار این موارد کفر و گمراهی است. از خداوند عافیت و سلامت خواستاریم.

پس دجال، مسیح پسر مريم و یاجوج و مأجوج قطعی است و شکی در آن نیست. تردیدی نیست که روایات در این باره از رسول خدا صلی الله علیه وآله متواتر است. اما در باره مهدی نیز روایات متواتر است، چندین نفر تواتر آن را از رسول خدا صلی الله علیه وآله حکایت کرده اند؛ ولی بعضی از مردم در آن اشکال گرفته و توقف کرده اند. پس تنها در کفر کسی که مهدی را انکار کند توقف کرده اند.

اما کسی که دجال یا مسیح بن مريم و یا یاجوج و مأجوج را انکار کند، شکی در کفر او نیست و هیچ توفقی نمی شود؛ توقف تنها در منکر مهدی است. در این باره گاهی در کفر و ارتدادش از اسلام توقف شده است؛ زیرا کسانی در گذشته به آن اشکال گرفته اند؛ اما نظر بهتر و نزدیک تر به حق این است که منکر مهدی نیز کافر

است؛ اما آن چه متعلق به یأجوج و مأجوج و دجال و مسیح است، به درستی که کافر شده است. از خداوند عافیت می‌طلیم.

بن باز، عبد‌العزیز بن عبد‌الله، فتاوی نور علی‌الدرب، الجزء الأول، ص ۳۵۵-۳۵۶

<http://www.binbaz.org.sa/mat/۲۱۵۶۳>

بنابراین تردیدی نیست که روایات مهدویت از دیدگاه اهل سنت و حتی وهابیت متواتر است؛ اما کسانی که در این باره تشکیک می‌کنند و می‌گویند روایت صحیحی در این زمینه وجود ندارد، تنها بی‌سوادی و بی‌اطلاعی خود را به رخ همگان می‌کشند و جز آبرو ریزی برای خود، به اعتقاد مهدویت نمی‌توانند هیچگونه خدش‌های وارد سازند.

چهل حدیث صحیح در باره مهدویت از طریق اهل البیت

عليهم السلام

روایات مهدویت از طریق اهل البیت عليهم السلام فوق تواتر است و حتی می توان ادعا کرد که در هیچ زمینه ای به اندازه مهدویت روایت نقل نشده باشد. حتی کتاب های مستقلی در این زمینه نوشته شده است که بهترین نمونه آن را می توان کتاب کمال الدین و تمام النعمه نوشته محدث بزرگ و افتخار شیعه، مرحوم شیخ صدوق معرفی کرد.

همچنین حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی حفظه الله کتابی با عنوان «منتخب الأثر» تألیف کرده اند که یکی از بهترین کتاب ها در این موضوع به شمار می رود. بنابراین تشکیک درباره مهدویت و روایاتی که از طریق اهل بیت عليهم السلام نقل شده است، نهایت جهل و نادانی ادعا کننده را ثابت می کند و بس.

از آن جایی که روایات در این باره بسیار گسترده است، ما تنها به نقل چهل روایت که البته همگی با سند صحیح نقل شده اند، بسنده کرده و مشتاقان بحث مهدویت را به کتاب های مفصل ارجاع می دهیم.

روایات در باره مهدویت از طریق شیعیان به چند دسته تقسیم می شود:

دسته اول: تصریح به نام و نسب حضرت مهدی فرزند امام عسکری علیهما السلام

۱. نام تک تک از زبان امام جواد علیه السلام

شیخ کلینی رحمت الله علیه در کتاب کافی با سند صحیح از امام جواد علیه السلام نقل می کند که آن حضرت نام تک تک ائمه عليهم السلام را آورده و تصریح می کند که حضرت حجت سلام الله علیه، فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

أَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَعَهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهُوَ مُتَكَيِّئٌ عَلَى يَدِ سَلْمَانَ فَدَخَلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَجَلَسَ إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ حَسَنُ الْهَيْئَةِ وَاللِّبَاسِ فَسَلَّمَ عَلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - فَرَدَّ فَجَلَسَ ثُمَّ قَالَ

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْأَلُكَ عَنْ ثَلَاثِ مَسَائِلَ إِنْ أَخْبَرْتَنِي بِهِنَّ عَلِمْتُ أَنَّ الْقَوْمَ رَكِبُوا مِنْ أَمْرِكَ مَا قَضَى عَلَيْهِمْ
وَأَنْ لَيْسُوا بِمَأْمُونِينَ فِي دُنْيَاهُمْ وَآخِرَتِهِمْ وَإِنْ تَكُنِ الْآخِرَى عَلِمْتُ أَنَّكَ وَهُمْ شَرَعٌ سِوَاءٌ
فَقَالَ لَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلْنِي عَمَّا بَدَأَ لَكَ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الرَّجُلِ إِذَا نَامَ أَيْنَ تَذْهَبُ
رُوحُهُ وَعَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يَذْكَرُ وَيُنْسَى وَعَنِ الرَّجُلِ كَيْفَ يُشْبَهُ وَلَدُهُ الْأَعْمَامَ وَالْأَخْوَالَ فَالْتَفَتَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحَسَنِ فَقَالَ:

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَجِبْهُ قَالَ فَأَجَابَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الرَّجُلُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ أَزَلْ
أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِذَلِكَ

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

وَلَمْ أَزَلْ أَشْهَدُ بِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَصِيُّهُ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ وَأَشَارَ إِلَى الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَصِيَّ أَخِيهِ وَالْقَائِمُ بِحُجَّتِهِ بَعْدَهُ

وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ الْحُسَيْنِ بَعْدَهُ

وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ

وَ أَشْهَدُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ

وَ أَشْهَدُ عَلَى مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

وَ أَشْهَدُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى

وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

وَ أَشْهَدُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِأَنَّهُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

وَ أَشْهَدُ عَلَى عَلِيٍّ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ لَا يَكُنِي وَلَا يُسَمَّى حَتَّى يَظْهَرَ أَمْرُهُ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ

جُورًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ثُمَّ قَامَ فَمَضَى فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ اتَّبِعْهُ فَانظُرْ أَيْنَ يَقْصِدُ فَخَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ
عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ مَا كَانَ إِلَّا أَنْ وَضَعَ رِجْلَهُ خَارِجًا مِنَ الْمَسْجِدِ فَمَا دَرَيْتُ أَيْنَ أَخَذَ مِنْ أَرْضِ اللَّهِ
فَرَجَعْتُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْلَمْتُهُ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَتَعْرِفُهُ قُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمٌ. قَالَ: هُوَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

«امام محمد تقی علیہ السلام فرمود: امیر مؤمنان همراه حسن بن علی علیہما السلام می آمد و به دست

سلمان تکیه داده بود. وارد مسجد الحرام شد و نشست، مردی خوش قیافه و خوش لباس پیش آمد و به امیر مؤمنان

علیه السلام سلام کرد. حضرت جواب سلام وی را داد. او نیز پس از این که نشست گفت:

یا امیر مؤمنان سه سؤال از شما می‌پرسم، اگر جواب آن‌ها را دادید، می‌فهمم مردمی که بعد از پیامبر حکومت را متصرف شدند در باره تو مرتکب عملی اشتباه شده‌اند و با این کار خود را محکوم ساخته‌اند و در دنیا و آخرت خویش آسوده و در امان نیستند. اما اگر جواب سؤالاتم را ندادی می‌فهمم که تو هم با آنها برابری.

امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمودند: هر چه می‌خواهی از من بپرس، او گفت: به من بگو:

۱. وقتی انسان می‌خواهد روحش کجا می‌رود؟

۲. چگونه می‌شود که انسان گاهی به یاد می‌آورد و گاهی فراموش می‌کند؟

۳. چگونه می‌شود که فرزند انسان مانند عموها و دایی‌هایش می‌شود؟ یعنی ویژگی‌های وراثتی آن‌ها را به

ارث می‌برد.

امیر مؤمنان علیه السلام رو به امام حسن علیه السلام کرده و فرمودند: ای ابا محمد! جوابش را بگو، امام حسن علیه السلام جواب سؤالات را فرمودند، آن مرد گفت: گواهی می‌دهم که کسی جز خداوند، شایسته پرستش نیست و همواره به آن گواهی می‌دهم.

گواهی می‌دهم که محمد رسول خداست و همواره بدان گواهی می‌دهم.

گواهی می‌دهم که تو وصی رسول خدا هستی و به حجت او قیام کرده‌ای - اشاره به امیر مؤمنان کرد - و

همواره بدان گواهی می‌دهم.

گواهی می‌دهم که تو وصی او هستی و وظایف او را انجام می‌دهی - اشاره به امام حسن کرد.

گواهی می‌دهم که حسین بن علی وصی برادر خود و انجام دهنده وظایف وی خواهد بود.

گواهی می‌دهم که علی بن الحسین پس از حسین انجام دهنده وظایف امامت اوست.

گواهی می‌دهم که محمد بن علی انجام دهنده وظایف امامت علی بن الحسین است.

گواهی می‌دهم که جعفر بن محمد جانشین و انجام دهنده وظایف امامت محمد است.

گواهی می‌دهم که موسی (بن جعفر) جانشین و انجام دهنده وظایف امامت جعفر بن محمد است.

گواهی می‌دهم که علی بن موسی جانشین و انجام دهنده وظایف امامت موسی بن جعفر است.

گواهی می‌دهم که محمد بن علی جانشین و انجام دهنده وظایف امامت علی بن موسی است.

گواهی می‌دهم که علی بن محمد جانشین و انجام دهنده وظایف امامت محمد بن علی است.

گواهی می‌دهم که حسن بن علی جانشین و انجام دهنده وظایف امامت علی بن محمد است.

و گواهی می‌دهم که مردی از فرزندان حسن است که تا هنگام ظهور نباید به کنیه و نام خوانده شود. او

زمین را از عدالت پر می‌کند چنان که از ستم پر شده است.

درود و رحمت و برکات خدا بر تو باد، ای امیر مؤمنان!، سپس برخاست و رفت.

امیر مؤمنان فرمودند:

ای ابا محمد! دنبالش برو و ببین کجا می‌رود؟ حسن بن علی علیهما السلام بیرون آمده و فرمودند: به محض این که پایش را از مسجد بیرون گذاشت نفهمیدم به کدام سمت از زمین خدا رفت. سپس خدمت امیر مؤمنان علیه السلام باز گشتم و به او خبر دادم.

فرمود: ای ابا محمد! او را می‌شناسی؟ گفتم: خدا و پیغمبرش و امیر مؤمنان داناترند، فرمودند: او خضر علیه السلام بود.

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۵۲۵، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

به اعتقاد علامه محمد تقی مجلسی این روایت صحیح است و ۹ سند دارد:

وفي الصحيح بتسع طرق، عن أبي هاشم الجعفري عن أبي جعفر الثاني محمد بن علي الجواد
عليهما السلام قال أقبل أمير المؤمنين ذات يوم و معه الحسن بن علي عليهما السلام و هو متكئ على يد سلمان.

المجلسی، محمد تقی بن مقصود علی (متوفای ۱۰۷۰ هـ)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج ۸، ص ۶۰۱، تحقیق: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، - قم، ۱۴۰۶ هـ.

و علامه محمد باقر مجلسی رحمت الله علیه می‌نویسد:

باب ما جاء في الاثني عشر و النص عليهم من الله عليهم السلام الحديث الأول: صحيح.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۶، ص ۲۰۳.

بررسی سند روایت

مقصود از «عدة من أصحابنا» در این سند: «علی بن ابراهیم و علی بن محمد بن عبد الله ابن اذینه و أحمد بن عبد الله بن أمية و علی بن الحسن» هستند که مورد اعتماد بودن آنان، جای هیچ تردیدی وجود ندارد.

الحلی الأسدی، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای ۷۲۶ هـ)، خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۴۳۰، تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ.

احمد بن محمد البرقی:

نجاشی می‌گوید: خود او مورد اعتماد است:

وكان ثقة في نفسه...

رجال النجاشی، ص ۷۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۴۹، رقم: ۸۶۱

داود بن القاسم أبو هاشم الجعفری:

نجاشی می‌گوید: داوود بن القاسم ابو هاشم الجعفری نزد امامان معصوم علیهم السلام از جایگاه بزرگ و رفیعی برخوردار بود. وی مورد اعتماد و گرانقدر است:

كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شريف القدر، ثقة.

شیخ طوسی نیز می‌گوید: وی گرانقدر بود و نزد امامان معصوم از جایگاه بزرگ و رفیعی برخوردار بود:

جلیل القدر عظیم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام.

الفهرست، ص ۱۲۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۱۲۳، رقم: ۴۴۲۸.

۲. نام تک تک ائمه (ع) از زبان امام صادق علیه السلام

مرحوم خزاز قمی در کتاب معتبر «کفایه الأثر» روایتی را با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. آن حضرت اصول عقاید شیعه و از جمله امامت را به تفصیل در این روایت توضیح داده و تصریح کرده است که حضرت حجت علیه السلام فرزند حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است:

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ مُوسَى قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ وَعَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ أَعْيَنٍ...

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَانِضِ وَأَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَالْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعِبُودِيَّةِ وَحَدُّ الْمَعْرِفَةِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَبِيهَ لَهُ وَلَا نَظِيرَ لَهُ وَأَنَّهُ يَعْرِفُ أَنَّهُ قَدِيمٌ مُثَبَّتٌ بِوُجُودٍ غَيْرِ فَقِيدٍ مَوْصُوفٌ مِنْ غَيْرِ شَبِيهٍ وَلَا مَبْطَلٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

وَبَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الرَّسُولِ وَالشَّهَادَةُ لَهُ بِالنَّبُوءِ وَأَدْنَى مَعْرِفَةِ الرَّسُولِ الْإِقْرَارُ بِهِ بِنُبُوَّتِهِ وَأَنْ مَا أَتَى بِهِ مِنْ كِتَابٍ أَوْ أَمْرٍ أَوْ نَهْيٍ فَذَلِكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

وَبَعْدَهُ مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ الَّذِي بِهِ يَأْتُمُّ بِنَعْتِهِ وَصِفَتِهِ وَاسْمِهِ فِي حَالِ الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ وَأَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةَ النَّبُوءِ وَوَارِثُهُ وَأَنْ طَاعَتَهُ طَاعَةَ اللَّهِ وَطَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمَ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّدُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.

وَ يَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ مِنْ بَعْدِي مُوسَى ابْنِي ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدُهُ عَلِيُّ وَبَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدُ ابْنُهُ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَالْحُجَّةُ مِنْ وَلَدِ الْحَسَنِ...

«از هشام روایت می‌کنند که وی گفت: نزد حضرت صادق علیه السلام بودم. معاویة بن وهب و عبد الملك بن اعین نزد آن حضرت آمدند...

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین فرائض و واجب‌ترین آنها بر انسان شناخت پروردگار و اقرار به بندگی اوست، و حداقل معرفت این است که به یکتایی او اقرار کند و شبیه و شریکی برای او قائل نشود، و بداند که او قدیم و ثابت و موجود است، و به چیزی مقید نیست، توان او را توصیف شده؛ ولی نه از روی شبیه و ماندگی، و بداند که او باطل نیست و مانندش چیزی نیست و او شنوا و بینا است.

و پس از او شناخت پیامبر و گواهی به نبوت اوست، و کمترین چیزی که در شناسایی او لازم است این است که اقرار به نبوت او کند، و اینکه آنچه آورده از جمله کتاب یا امر و نهی از نزد خدای عز و جل است. و پس از او شناخت امامی است که وصف و نام او در حال سختی و خوشی پیروی می‌شود، و کمترین چیزی که در شناخت امام لازم است، این است که او به جز در مقام نبوت مشابه و همتای پیامبر و وارث اوست؛ و این که اطاعت او اطاعت خداوند و رسول اوست، و در هر امری تسلیم او باشد و (در آنچه نمی‌داند) به او مراجعه کند و گفتار او را آویزه گوش کند.

و بداند که پس از رسول خدا علی بن ابی طالب علیه السلام امام است و پس از او حسن سپس حسین سپس علی بن الحسین و سپس محمد بن علی و پس از او منم، و پس از من موسی فرزندم و پس از او فرزندش علی و بعد از او محمد فرزندش پس از او نیز علی فرزندش سپس فرزندش حسن و حضرت حجت از فرزندان حسن است».

الخزاز القمي الرازي، أبي القاسم علي بن محمد بن علي، كفاية الأثر في النص على الأئمة الاثني عشر، ص ٢٦٠ - ٢٦٤، تحقيق: السيد عبد اللطيف الحسيني الكوه كمرى الخوئي، ناشر: انتشارات - قم، ١٤٠هـ

این روایت مطالب زیادی را ثابت می‌کند؛ از جمله:

۱. بعد از شناخت خداوند و پیامبران، شناخت امامی که همتراز خداوند و پیامبر در اطاعت است، واجب است؛
۲. امام بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله علی بن ابی طالب، امام حسن، امام حسین علیهم السلام و... است؛
۳. ائمه علیهم السلام همتراز با رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند و تمام مقامات آن حضرت جز نبوت را دارا هستند؛
۴. اطاعت از امام، اطاعت از پیامبر و اطاعت از خداوند است؛
۵. آخرین امام و حجت، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است.

بررسی سند روایت

الحسین بن علی بن الحسین بن موسی:

نجاشی و شیخ طوسی در باره او گفته‌اند که وی مورد اعتماد است:

رجال النجاشي، ص ٦٨؛ رجال الطوسي، ص ٤٢٣؛ معجم رجال الحديث، ج ٧، ص ٤٧، رقم: ٣٥٣١.

هارون بن موسى بن أحمد:

نجاشی می گوید: ابو محمد التلعکبری از قبيله بنی شيبان: در میان شیعیان چهره شناخته شده و مورد اعتماد بود. وی قابل اطمینان بود و نمی توان به او اشکال گرفت:

أبو محمد التلعکبری، من بني شيبان: **كان وجهها في أصحابنا ثقة، معتمدا لا يطعن عليه...**
رجال النجاشي، ص ٤٣٩.

شیخ طوسی می گوید: وی عالم گرانقدر و والا مقام است. روایات زیادی از وی نقل شده، بی نظیر و مورد اعتماد است:

جليل القدر، عظيم المنزلة، واسع الرواية، عديم النظر، **ثقة.** روی جميع الأصول والمصنفات.
رجال الطوسي، ص ٤٤٩؛ معجم رجال الحديث، ج ٢٠، ص ٢٥٨، ١٣٢٧٣.

محمد بن الحسن بن وليد:

نجاشی می گوید: بزرگ مردم قم، فقیه و پیش کسوت آنان به شمار می رفت، وی بسیار مورد اعتماد و مطمئن بود و شخصیت برجسته ای داشت:

شيخ القميين وفقههم، ومتقدمهم ووجههم **ثقة ثقة، عين...**
رجال النجاشي، ص ٣٨٣.

شیخ طوسی می گوید: وی گرانقدر و والا مقام است، به علم رجال تسلط دارد و مورد اعتماد است. در فقه نکته سنج و آگاه و مطمئن است.

جليل القدر، عارف بالرجال، **موثق به...** جليل القدر، بصير بالفقه، **ثقة.**
الفهرست، ص ٢٣٧؛ معجم رجال الحديث، ج ١٦، ص ٢٢٠، رقم: ١٠٤٩٠.

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار:

نجاشی می گوید: در میان عالمان شیعه قم، دارای قدر و منزلت، مورد اعتماد، گرانقدر و برتر از دیگران بوده و روایات او، افتادگی کمتری داشت:

كان وجهها في أصحابنا القميين، **ثقة، عظيم القدر، راجحا، قليل السقط في الرواية.**
رجال النجاشي، ص ٣٥٤؛ معجم رجال الحديث، ج ١٦، ص ٢٦٣، رقم: ١٠٥٣٢.

يعقوب بن يزيد:

نجاشی می گوید: وی مورد اعتماد و بسیار صادق و راستگو بود:

وكان ثقة صدوقا...
رجال النجاشي، ص ٤٥٠.

شیخ طوسی می گوید: وی روایات بسیاری نقل کرده و مورد اعتماد است:

کثیر الروایة، ثقة.

الفهرست، ص ۲۶۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۱، ص ۱۵۶، رقم: ۱۳۷۷۸.

محمد بن أبی عمیر:

وی از برترین راویان شیعه و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود؛ یعنی از افرادی است که هر روایتی که با سند صحیح به آن‌ها برسد، شیعیان اتفاق بر قبول آن دارند. نجاشی در باره او می‌گوید: وی از نظر ما و حتی مخالفان، عالم گرانقدر و والا مقام است:

جلیل القدر، عظیم المنزلة فینا وعند المخالفین...

رجال النجاشی، ص ۳۲.

و شیخ طوسی می‌گوید: وی مطمئن‌ترین، زاهدترین، با تقواترین و عابدترین شخص نزد شیعه و سنی است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ۲۱۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، رقم: ۱۰۰۴۳.

هشام بن سالم:

نجاشی می‌گوید: وی بسیار مورد اعتماد و اطمینان است:

ثقة ثقة.

رجال النجاشی، ص ۴۳۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۰، ص ۳۲۴.

۳. امام رضا علیه السلام: امام بعد از من فرزندان امام جواد و... وحجت منتظر هستند

شیخ صدوق رحمت الله علیه در کتاب شریف عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از آن حضرت می‌نویسد: امام رضا علیه السلام نام تک تک جانشینان خود را تا حضرت حجت علیه السلام می‌برند:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ دَعْبِلَ بْنَ عَلِيٍّ الْخَزَاعِيَّ يَقُولُ لَمَّا أَنْشَدْتُ مَوْلَايَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَصِيدَتِي الَّتِي أَوْلَاهَا

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَ مَنَزَلٌ وَحِيٍّ مَقْفَرِ الْعَرَصَاتِ

فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى قَوْلِي:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَهَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالتَّقِمَاتِ

بِكِي الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ فَقَالَ لِي يَا خَزَاعِي نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَى لِسَانِكَ بِهَذَيْنِ الْبَيِّنَيْنِ فَهَلْ تَدْرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَمَتَى يَقُومُ فَقُلْتُ لَا يَا سَيِّدِي إِلَّا أَنِّي سَمِعْتُ بِخُرُوجِ إِمَامٍ مِنْكُمْ يَطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنَ الْفَسَادِ وَيَمْلؤها عَدلاً.

فَقَالَ يَا دِعْبِلَ الْإِمَامِ بَعْدِي مُحَمَّدٌ ابْنِي وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِيٌّ وَبَعْدَ عَلِيٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِي غَيْبَتِهِ الْمَطَاعُ فِي ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدلاً كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَأَمَّا مَتَى فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ مِثْلُهُ مِثْلُ السَّاعَةِ «لَا يُجَلِّيهَا لَوْفَتِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً». (الأعراف/١٨٧).

«دعبل خزاعی می گوید: هنگامی که قصیده خود را که با این ابیات شروع می شد:

مدارس آیات خلت من تلاوة و منزل وحی مقفر العرصات

برای حضرت امام رضا علیه السلام خواندم زمانی که به این شعر رسیدم:

خروج امام لا محالة خارج يقوم على اسم الله والبركات

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَى النِّعْمَاءِ وَالتَّقِمَاتِ.

(ظهور امامی که ناگزیر از آن هستیم، حتمی است او به نام خدا و برکات او قیام می کند تا در میان ما هر حقی را از باطل تمیز دهد و پاداش هر نعمت و نعمتی را عطا نماید)

حضرت امام رضا علیه السلام با شنیدن این اشعار سخت گریستند، آنگاه رو به من کرده و فرمودند:

ای خزاعی! روح القدس با زبان تو این دو بیت را خواند! آیا می دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می کند؟

گفتم: آقای من! نه! این قدر شنیده ام که امامی از نسل شما قیام می کند، و زمین را از لوٹ فساد پاک می گرداند و آن را پر از عدل خواهد کرد؛ چنان که پر از ظلم شده باشد.

حضرت فرمودند: ای دعبل! پسر محمد امام بعد از من است و بعد از او پسرش علی؛ بعد از او نیز پسرش حسن و بعد از حسن پسرش حجت قائم، امام امت است که (اهل ایمان) در زمان غیبتش انتظار او را می کشند و بعد از ظهورش از وی فرمان برداری می کنند.

اگر تنها یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد خداوند آن روز را به اندازه ای طولانی می کند تا او بیاید و جهان را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم شده است.

اما چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ نمی توان وقت آن را تعیین نمود. پدرم (موسی بن جعفر) از پدرش و آن حضرت از پدرانش از علی علیه السلام روایت کرده اند که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: حضرت قائم که

از نسل شما است چه زمانی ظهور خواهد کرد؟ ایشان فرمودند: آمدن وی مثل آمدن روز رستاخیز است که خداوند در قرآن می‌فرماید:

«لَا يُجَلِّئُهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً؛ کسی جز خداوند وقت آن را معلوم نمی‌کند، این مطلب در آسمان‌ها و زمین گران آمده» آن حضرت به طور ناگهانی به سوی شما خواهد آمد». الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۶۵ - ۲۶۶، تحقیق: الشیخ حسین الأعلمی، ناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت، ۱۴۰۴هـ - ۱۹۸۴م.

این روایت امامت امام رضا علیه السلام تا امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همچنین غیبت طولانی حضرت حجت و ظهور آن حضرت و... ثابت می‌کند.

بررسی سند روایت

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی:

نخستین راوی در سند روایت احمد بن زیاد همدانی استاد شیخ صدوق رحمت الله علیه است. وی در باره استادش می‌گوید:

«او شخصی مورد اعتماد، متدین و فاضل بود. رحمت و رضوان خداوند بر او باد».

وكان رجلا ثقة دينا فاضلا رحمة الله عليه ورضوانه.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹.

علی بن ابراهیم بن هاشم:

نجاشی در باره او می‌گوید: «علی بن ابراهیم قمی، در نقل حدیث مطمئن و مورد اعتماد است و مذهب صحیحی دارد».

القمي، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

رجال النجاشي، ص ۲۶۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهیم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته است که تمام روایات آن مورد اعتماد هستند:

ورواة الحديث ثقات بالاتفاق.

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

این جمله به روشنی ثابت می‌کند که تمام شیعیان بر وثاقت او اجماع داشته‌اند.

عبد السلام بن صالح أبو الصلت الهروی:

نجاشی می‌گوید: وی مورد اطمینان است و احادیثش مطابق واقع است:

۴. خداوند پروردگارم، محمد پیامبرم، علی، حسن، حسین و... و حجت بن الحسن امامانم هستند.

شیخ کلینی رحمت الله علیه در کتاب شریف کافی روایتی را نقل می کند که امام کاظم علیه السلام در این روایت به شیعیان توصیه کرده است در سجده شکر خود ذکر را بخوانند. در این ذکر از ائمه دوازده گانه علیهم السلام یاد شده است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا أَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقَدْ اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فِيهِ:
فَقَالَ: قُلْ وَأَنْتَ سَاجِدٌ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنْكَ اللَّهُ رَبِّي وَالْإِسْلَامَ دِينِي
وَمُحَمَّدًا نَبِيِّي وَعَلِيًّا وَفُلَانًا وَفُلَانًا إِلَى آخِرِهِمْ أُمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ ثَلَاثًا
اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْشُدُكَ بِإِيوَانِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لِنَظْفِرَنَّهُمْ بَعْدُوكَ وَعَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ...

«عبد الله بن جندب می گوید: از امام کاظم علیه السلام در باره سجده شکر سؤال کردم و این که اصحاب ما (شیعیان) در باره آن دیدگاه های مختلفی دارند؛ پس آن حضرت فرمود که در حال سجده بگو: «بار الها من تو را، فرشتگان را، پیامبران و فرستادگان را و تمامی مخلوقات و بندگانت را گواه می گیرم که خداوند یکتا، پروردگار من است. اسلام دین من است. محمد صلی الله علیه و آله پیامبر من و علی و فلانی و فلانی (نام همه ائمه را بیاورد) امامان و پیشوایان دین من هستند. با آنها دوست و از دشمنانشان بیزارم. بار الها، تو را سوگند می دهم به خون ریخته شده مظلوم سه بار پروردگارا، تو را سوگند می دهم به آن قسمی که یاد کرده ای و وعده داده ای که دشمنان خود را به دست ما و به دست مؤمنین هلاک کنی. بار خدایا، تو را به آن سوگندی که یاد کرده و وعده فرموده ای تا یاران و دوستان را بر دشمنان خود و دشمنان آنان (دوستان) پیروز سازی قسم می دهم که بر محمد و حافظان دین و اهل بیت معصوم درود فرستی» - سه بار -».

الکافی، ج ۳، ص ۳۲۵، باب السجود و التسبیح و الدعاء فيه في الفرائض و النوافل و ما يقال بين السجدين.

علامه مجلسی سند این روایت را به خاطر وجود ابراهیم بن هاشم در سند «حسن»

دانسته است، آن جا که می گوید:

الحدیث السابع عشر: حسن.

شیخ صدوق رحمت الله علیه با همان سند این روایت را نقل کرده است که در آن نام تک تک ائمه علیهم السلام نیز آورده شده و تصریح شده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، فرزند امام عسکری علیه السلام است:

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جُنْدَبٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ تَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيََاءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي وَالْإِسْلَامَ دِينِي وَمُحَمَّدًا نَبِيَّ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ - وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ - وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أُنْمِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَأُ.
اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۹۶۷، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبق این روایت حضرت حجت علیه السلام، فرزند امام عسکری علیه السلام است.

بررسی سند روایت

علی بن ابراهیم بن هاشم:

قال النجاشی: القمی، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

«نجاشی می گوید: علی بن ابراهیم بن هاشم قمی در نقل روایات و احادیث مورد اعتماد و مطمئن است. و مذهب و اعتقادات راستینی نیز دارد».

معجم رجال الحديث، ج ۱۲ ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهیم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته:

ورواة الحديث ثقات بالاتفاق.

معجم رجال الحديث، ج ۱ ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

این جمله به روشنی ثابت می کند که تمام شیعیان بر وثاقت او اجماع داشته اند.

عبد الله بن جندب:

قال الشيخ: كوفي ثقة.

«شیخ طوسی می گوید: وی اهل کوفه و مورد اعتماد و اطمینان است».

معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۱۵۹، رقم: ۶۷۷۹.

دسته دوم: امام عسکری علیه السلام به شیعیانش خبر داد که صاحب فرزند شده است:

امام حسن عسکری علیه السلام در زمانی زندگی می کرد که بیشترین خفقان و اختناق از سوی دشمنان آن حضرت وجود داشت؛ تا جایی که گاه و بیگاه به خانه آن حضرت می ریختند و به دنبال وجود نازنین حضرت مهدی علیه السلام می گشتند تا او را دستگیر نموده و به خیال خودشان از نابود شدن حکومت شان جلوگیری کنند.

در چنین وضعیتی امام حسن عسکری علیه السلام نمی توانست فرزندش را به هر کسی نشان داده و همگان را از وجود آن حضرت باخبر سازد.

از این میان تنها برخی از شیعیان که امام عسکری علیه السلام به آنها اعتماد کامل داشت، از آن حضرت شنیدند که صاحب فرزند شده و در برخی از موارد از نزدیک حضرت مهدی علیه السلام را ملاقات کردند.

۵. خبر دادن به ابو هاشم جعفری

ابو هاشم جعفری از جمله راویان موثقی است که امام عسکری علیه السلام از وجود فرزندش حضرت مهدی به او خبر داده است. مرحوم کلینی این روایت را به سند صحیح آورده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَلَّاتِكَ تَمْنَعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ فَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ فَقَالَ: سَلْ قُلْتُ: يَا سَيِّدِي هَلْ لَكَ وَلَدٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ فَقُلْتُ: فَإِنْ حَدَّثَ بِكَ حَدَّثُ فَإِنْ أَسْأَلَ عَنْهُ؟ قَالَ: بِالْمَدِينَةِ.

ابو هاشم جعفری می گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام عرض کردم: جلالت و بزرگی شما مرا از پرسش باز می دارد، اجازه می فرمائید از شما سؤالی کنم؟ فرمود، بپرس، عرض کردم: آقای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: آری، عرض کردم: اگر برای شما پیش آمدی کند، در کجا از او بپرسم؟ فرمود: در مدینه.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۲۸، ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند روایت:

در سند این روایت سه نفر از راویان: ۱. محمد بن يحيى العطار؛ ۲. احمد بن اسحاق؛ ۳. ابو هاشم جعفری واقع شده اند که باید هریک آنان را بررسی کرد.

محمد بن يحيى العطار:

راوی نخست این روایت، محمد بن یحیای عطار است. این شخص از دیدگاه رجال شناسان شیعه، ثقه است. نجاشی از بزرگان رجالیون در باره او می گوید:

«محمد بن یحیی أبو جعفر العطار القمي، شيخ أصحابنا في زمانه، ثقة، عين، كثير الحديث»

محمد بن یحی ابو جعفر عطار قمی، از بزرگان اصحاب امامیه در زمان خودش، موثق، بزرگ قوم است و روایات بسیاری را نقل کرده است.
رجال النجاشي، ص ۳۵۳.

أحمد بن إسحاق:

دومین راوی در این روایت، احمد بن اسحاق قمی است. نجاشی در باره او می نویسد:

أحمد بن إسحاق بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الأحوص الأشعري، أبو علي القمي، وكان وافد القميين، وروى عن أبي جعفر الثاني وأبي الحسن عليهما السلام، وكان خاصة أبي محمد عليه السلام.

احمد بن اسحاق بن عبد الله بن سعد بن مالك بن احوص اشعری، ابو علی قمی است، او نماینده مردم قم بود و از ابی جعفر و امام علی النقی علیهما السلام روایت کرده است و از یاران ویژه ای امام حسن عسکری علیه السلام بود.
رجال النجاشي، ص ۹۱.

شیخ طوسی نیز در فهرست او را به همان عبارت نجاشی ستوده و اضافه می کند که او امام زمان علیه السلام را دیده است:

الأشعري، أبو علي، كبير القدر، وكان من خواص أبي محمد عليه السلام، ورأى صاحب الزمان عليه السلام، وهو شيخ القميين ووافدهم.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ۴۶۰هـ)، فهرست، ص ۷۰، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ۱۴۱۷
و در رجال خود او را ثقه دانسته است:

أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري، قمي، ثقة.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ۴۶۰هـ)، رجال الطوسي، ص ۳۹۷، تحقيق: جواد القيومي الأصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ
أبو هاشم الجعفری:

اسم ابو هاشم، داود، فرزند قاسم و کنیه اش ابو هاشم است. او شخصی بزرگوار و مورد وثوق است.

نجاشی در باره او می نویسد:

داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب، أبو هاشم الجعفري رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شريف القدر، ثقة، روى أبوه عن أبي عبد الله عليه السلام.

داود بن قاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب، أبو هاشم جعفري در نزد ائمه عليهم السلام دارای منزلت بزرگ بود، او یک انسان با شرافت و ثقه است. و پدرش از امام صادق عليه السلام روایت کرده است.

رجال النجاشي، ص ۱۵۶.

شیخ طوسی نیز او را موثق و جلیل القدر تعریف کرده است:

داود بن القاسم الجعفري، یکنی ابا هاشم، من ولد جعفر بن أبي طالب عليه السلام، ثقة جلیل

القدر.

داود بن قاسم جعفري کنیه اش ابو هاشم از فرزندان جعفر بن ابی طالب عليه السلام است، او فرد موثق و جلیل القدر است.

رجال الطوسي، ص ۳۷۵.

بنابراین سند این روایت در نهایت اتقان و تمام روایات آن از بزرگان تاریخ شیعه هستند. از نظر دلالت نیز روشن و صریح در این است که امام حسن عسکری عليه السلام فرزند دارد که ابو هاشم را به او راهنمایی می کند.

۶. خبر دادن به محمد بن علی بن بلال

محمد بن علی بن بلال می گوید: دو بار امام عسکری از وجود فرزندش به من خبر داده است، مرحوم کلینی و شیخ مفید روایت کرده اند:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ قَالَ: خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَبْلَ مُضِيِّهِ بِسِتِّينَ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ قَبْلِ مُضِيِّهِ بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ يُخْبِرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ.

محمد بن علی بن بلال می گوید: از جانب امام حسن عسکری عليه السلام، دو سال پیش از وفاتش پیامی به من رسید که از جانشین بعد از خود به من خبر داد، بار دیگر سه روز پیش از وفاتش پیامی رسید و از جانشین بعد از خود به من خبر داد.

الکلینی الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۲۸، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ ش.

الشيخ المفيد، محمد بن محمد بن النعمان ابن المعلم أبي عبد الله العكبري البغدادي (متوفای ۴۱۳ هـ)، الإرشاد في معرفة حجج الله علي العباد، ج ۲، ص ۳۴۸، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لتحقیق التراث، ناشر: دار المفید للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م.

بررسی سند روایت:

در سند این روایت نیز دو نفر: ۱. علی بن محمد و ۲. محمد بن علی بن بلال واقع شده است:

۱. علی بن محمد:

علی بن محمد بن ابراهیم بن أبان الرازي الكليني المعروف بعلان یکنی أبا الحسن. ثقة، عین. له کتاب أخبار القائم [علیه السلام]. رجال النجاشي، ص ۲۶۱

۲- محمد بن علی بن بلال:

محمد بن علی بن بلال، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۴۰۱.

این روایت که با سند صحیح نقل شده است، به روشنی ثابت می‌کند که امام عسکری علیه السلام فرزند داشته است و به محمد بن علی بن بلال خبر داده و جانشین را معرفی کرده است.

۷. خبر به ابو هاشم جعفری: به زودی صاحب فرزند خواهم شد:

شیخ طوسی رحمه الله علیه روایتی را نقل کرده است که در آن، امام حسن عسکری علیه السلام به ابو هاشم جعفری از به وجود آمدن فرزندش حضرت حجت سلام الله علیه خبر داده است:

وَرَوَى سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: كُنْتُ مَحْبُوسًا مَعَ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَبْسِ الْمُهْتَدِيِّ بْنِ الْوَائِقِ فَقَالَ لِي يَا بَا هَاشِمِ إِنَّ هَذَا الطَّاعِيَّ أَرَادَ أَنْ يَعْبَثَ بِاللَّهِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَقَدْ بَرَّ اللَّهُ عَمْرَهُ وَجَعَلَهُ لِلْقَائِمِ مِنْ بَعْدِهِ وَلَمْ يَكُنْ لِي وَلَدٌ وَسَارَزُقُ وَلَدًا. قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا شُغِبَ الْأَتْرَاكُ عَلَى الْمُهْتَدِيِّ فَقَتَلُوهُ وَوَلِيَ الْمُعْتَمِدُ مَكَانَهُ وَسَلَّمْنَا لِلَّهِ تَعَالَى.

سعد بن بعد الله از ابو هاشم جعفری نقل می‌کند که من به همراه حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در زندان مهتدی پسر واثق حضرت عسکری علیه السلام زندانی بودم، آن حضرت فرمود: این ستمگر تصمیم دارد امشب با خدا به شوخی پردازد؛ ولی خدا عمر او را قطع می‌کند و مقامش را در اختیار جانشینش قرار می‌دهد. با این که اکنون من فرزندی ندارم؛ ولی به زودی صاحب فرزند می‌شوم.

ابو هاشم گفت: فردا صبح ترک‌ها بر مهتدی شوریده او را کشتند و معتمد به جای او نشست و ما نجات یافتیم.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، كتاب الغيبة، ص ٢٠٥، تحقيق الشيخ عباد الله الطهراني / الشيخ على احمد ناصح، ناشر: مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ
سند شيخ طوسی تا سعد بن عبد الله:

عدة من أصحابنا [منهم]: الشيخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان المفيد والحسين بن عبيد الله وأحمد بن عبدون وغيرهم؛ الفهرست، الشيخ الطوسي، ص ٦١]
عن محمد بن علي بن الحسين بن بابويه، عن أبيه ومحمد بن الحسن، عن سعد بن عبد الله
وقال شيخ الطائفة: أخبرنا الحسين بن عبيد الله وابن أبي جيد، عن أحمد بن محمد بن يحيى
الطار، عن أبيه، عن سعد بن الله جميعا

مرحوم آيت الله خوئی در باره سند شيخ طوسی تا سعد بن عبد الله می گوید:
وطريق الصدوق إليه: أبوه، ومحمد بن الحسن - رضي الله عنهما - والطريق كطريق الشيخ إليه

صحیح.

معجم رجال الحديث، السيد الخوئي، ج ٩، ص ٨٣
بنابراین سند شيخ تا سعد بن عبد الله صحیح است و شكی در وثاقت این افراد نیست.
سعد بن عبد الله الأشعری:

نجاشی او را عالم بزرگ، فقیه و چهره شناخته شده شیعه معرفی کرده است:
شيخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها....

رجال النجاشي، ص ١٧٧

و شيخ طوسی نیز می گوید که او گرانقدر و قابل اعتماد بوده است:

جليل القدر، ثقة.

الفهرست، ص ١٣٥؛ معجم رجال الحديث، ج ٩، ص ٧٨، رقم: ٥٠٥٨

أبو هاشم الجعفري:

اسم ابو هاشم، داود، فرزند قاسم و کنیه اش ابو هاشم است. او شخصی بزرگوار و مورد وثوق است.

نجاشی در باره او می نویسد:

داود بن القاسم بن إسحاق بن عبد الله بن جعفر بن أبي طالب، أبو هاشم الجعفري رحمه الله كان عظيم المنزلة عند الأئمة عليهم السلام، شريف القدر، ثقة، روى أبوه عن أبي عبد الله عليه السلام.

داود بن قاسم بن اسحاق بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، ابو هاشم جعفری در نزدا ئمه عليهم السلام دارای منزلت بزرگ بود، او یک انسان با شرافت و ثقه است. و پدرش از امام صادق عليه السلام روایت کرده است.

رجال النجاشي، ص ١٥٦.

شیخ طوسی نیز او را موثق و جلیل القدر تعریف کرده است:

داود بن القاسم الجعفري، یکنی ابا هاشم، من ولد جعفر بن ابي طالب عليه السلام، ثقة جلیل

القدر.

داود بن قاسم جعفری کنیه اش ابو هاشم از فرزندان جعفر بن ابي طالب عليه السلام است، او فرد موثق و جلیل القدر است.

رجال الطوسي، ص ۳۷۵.

پس سند این روایت نیز صحیح است و ثابت می کند که امام عسکری عليه السلام پیش از تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از به دنیا آمدن آن حضرت خبر داده است.

دسته سوم: دیده شدن حضرت مهدی عليه السلام در زمان غیبت

علاوه بر روایاتی که گذشت و ثابت می کرد که امام عسکری عليه السلام صاحب فرزند بوده و به شیعیانش خبر داده است، روایات دیگری با سندهای صحیح در کتاب های شیعه یافت می شود که تعدادی از شیعیان خاص در زمان غیبت صغری و یا در کودکی وجود نازنین آن حضرت را دیده و برای دیگران تعریف کرده است:

۸. عثمان بن سعید العمری:

یکی از کسانی که به دیدار حضرت مهدی عليه السلام بار یافته، نائب و سفیر او عثمان بن سعید عمری است، او در جواب سؤال عبد الله بن جعفر حمیری که از راویان موثق است تصریح می کند که امام زمان عليه السلام را دیده است. مرحوم کلینی این روایت را با سند صحیح این گونه نقل کرده است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعًا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: اجْتَمَعَتْ أَنَا وَالشَّيْخُ أَبُو عَمْرٍو رَحِمَهُ اللَّهُ عِنْدَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ فَعَمَزَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا عَمْرٍو إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ وَمَا أَنَا بِشَاكٍّ فِيمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ فَإِنَّ أَعْتِقَادِي وَدِينِي أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا إِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ رُفِعَتِ الْحُجَّةُ وَأُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ فَلَمْ يَكْ يَنْفَعْ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا فَأَوْلَنِكَ أَشْرَارٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمْ الَّذِينَ تَقُومُ عَلَيْهِمُ الْقِيَامَةُ وَلَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ أَزْدَادَ يَقِينًا وَإِنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُرِيَهُ «كَيْفَ يُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيُطْمَئِنَّ قَلْبِي»....

ثم قال: سَلْ حَاجَتَكَ فَقُلْتُ لَهُ: أَنْتَ رَأَيْتَ الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ: إِي

والله وِرَقْبَتَهُ مِثْلَ ذَا وَأَوْمًا بِيَدِهِ....

عبد الله بن جعفر حمیری می گوید: من با عثمان بن سعید عمروی سفیر امام زمان علیه السلام در خانه احمد بن اسحاق، وکیل امام بودیم. احمد بن اسحاق به من اشاره کرد تا از جانشین امام عسکری بپرسم، من به سفیر امام زمان عثمان بن سعید گفتم:

می خواهم سؤالی مطرح کنم. سؤال من در اثر شک و تردید نیست، زیرا کیش و آئین من بر این است که زمین از حجت خالی نمی ماند، مگر چهل روز قبل از قیامت که در آن روز حجت خدا به آسمان پر می کشد. در آن روز راه توبه و بازگشت به ایمان مسدود می شود آنسان که بعد از آن نه ایمان کسی پذیرفته شود که تا آن روز کافر بوده است، و نه کردار شایسته مردمان مورد قبول می افتد که پاداشی بر آن مترتب گردد. مردمی که در آن چهل روز بر روی زمین باشند بدکاره های خلق خدا هستند و عالم هستی بر سر همانان خراب می شود. با این اعتقاد و یقین، دوست دارم بر یقین خود بیفزایم. همانا ابراهیم خلیل از خدا مسألت کرد تا به او نشان دهد که چگونه مردگان را زنده می کند. و خدا به او گفت: مگر این را باور نداری؟ ابراهیم گفت: «چرا باور دارم. اما می خواهم اطمینان و آرامش دل بیابم». من نیز به شما که سفیر امام زمانی و ثوق کامل دارم....

عثمان بن سعید گفت: سؤال خود را مطرح کن و آنچه حاجت داری بپرس. من گفتم: «تو خودت جانشین امام حسن عسکری را دیده ای؟». گفت: آری به خدا. موقعی که او را دیدم گردن او تا این حد رشد کرده بود و به دست خود اشاره کرد...

الکلینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأُصول من الکافی، ج ۱، ص ۳۳۰، ناشر: اسلامیه، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

بررسی سند روایت:

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ:

نجاشی در بار او می نویسد که او مورد اعتماد، سرشناس و کاتب امام عصر علیه السلام بوده است:

محمد بن عبد الله بن جعفر بن الحسين بن جامع بن مالك الحميري أبو جعفر القمي، كان ثقة، وجهاً، كاتب صاحب الامر عليه السلام.

رجال النجاشي، ص ۳۵۵.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّار:

نجاشی می گوید که او بزرگ قمی ها در زمان خود، مورد اعتماد و سرشناس بود:
محمد بن يحيى أبو جعفر العطار القمي، شيخ أصحابنا في زمانه، ثقة، عين، كثير الحديث.
رجال النجاشي، ص ۳۵۳

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ:

نجاشی می گوید که او بزرگ قمی ها و سرشناس آنان بود:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري أبو العباس القمي. **شيخ القميين و وجههم.**

رجال النجاشي، ص ۲۱۹

و شيخ طوسی نیز او را در دو کتاب خود توثیق کرده است:

عبد الله بن جعفر الحميري القمي، یکنی أبا العباس، **ثقة....**

الفهرست، ص ۱۶۸.

عبد الله بن جعفر الحميري، قمي، **ثقة.**

رجال الطوسي، ص ۴۰۰

احمد بن إسحاق القمي:

نجاشی می گوید:

وكان وافد القميين، وروى عن أبي جعفر الثاني وأبي الحسن عليهما السلام، **وكان خاصة أبي محمد عليه السلام.**

او نماینده مردم قم بود و از ابی جعفر و امام علی النقی علیهما السلام روایت کرده است و از یاران ویژه ای امام حسن عسکری علیه السلام بود.

رجال النجاشي، ص ۹۱.

شيخ طوسی نیز در فهرست او را به همان عبارت نجاشی ستوده و اضافه می کند که او امام زمان علیه السلام را دیده است:

الأشعري، أبو علي، كبير القدر، **وكان من خواص أبي محمد عليه السلام، ورأى صاحب الزمان عليه السلام، وهو شيخ القميين ووافدهم.**

الفهرست، ص ۷۰.

و در رجال خود او را ثقة دانسته است:

أحمد بن إسحاق بن سعد الأشعري، قمي، **ثقة.**

الطوسي، الشيخ ابو جعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفای ۴۶۰هـ)، رجال الطوسي، ص ۳۹۷، تحقیق: جواد القيومي الأصفهاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵هـ

عثمان بن سعيد العمري:

شيخ طوسی می گوید که او گرانقدر، مورد اعتماد و وکیل امام علیه السلام بوده است:

عثمان بن سعيد العمري الزيات، ويقال له: السمان، یکنی أبا عمرو، **جليل القدر ثقة، وكيه عليه السلام.**

رجال الطوسي، ص ۴۰۱.

سند این روایت صحیح اعلانی است و تمام روای آن از برترین راویان تاریخ شیعه هستند.

۹. محمد بن عثمان العمری در کنار خانه خدا

شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه می‌نویسد: محمد بن عثمان عمری، حضرت حجت بن الحسن علیه السلام را در کنار خانه خدا زیارت کرده است:

وَرَوَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَثْمَانَ الْعَمْرِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ نَعَمْ وَآخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَهُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْجِرْ لِي مَا وَعَدْتَنِي.

– قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ وَرَأَيْتَهُ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ وَهُوَ يَقُولُ – اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِكَ.

از عبد الله بن جعفر حمیری روایت شده است که از محمد بن عثمان العمری که خداوند از او راضی باد سؤال کردم و گفتم: آیا صاحب الأمر را دیده‌ای؟ پس گفت: بلی، آخرین دیدارم با ایشان در کنار بیت الله الحرام بود که آن حضرت می‌فرمود: خدایا آن چه را که به من وعده داده‌ای عملی کن.

محمد بن عثمان گفت: و دیدم که پرده کعبه را در رکن مستجار گرفته و می‌فرمود: خدایا به وسیله من از دشمنانت انتقام بگیر.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بررسی سند روایت:

شیخ صدوق در مشیخه کتاب من لا یحضره سند خود را از عبد الله بن جعفر حمیری این گونه نقل کرده است:

وما كان فيه عن عبد الله بن جعفر الحميري فقد روئته عن أبي، ومحمد بن الحسن، ومحمد بن موسى بن المتوكل رضي الله عنهم عن عبد الله بن جعفر بن جامع الحميري.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴ ص ۵۱۰

پس شیخ صدوق در حقیقت این روایت را از سه نفر: پدر بزرگوارش، محمد بن الحسن و محمد بن موسی المتوکل از عبد الله بن جعفر از محمد بن عثمان العمری نقل کرده است.

این سند هیچ اشکالی ندارد و تمام راویان آن از بزرگان تاریخ شیعه به شمار می‌روند:

علی بن الحسین بن بابویه

او از فقها و از موثقین و علماء قم است، نجاشی در باره او می‌گوید:

شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم...

رجال النجاشی، ص ۲۶۱

و شیخ طوسی او را از فقهای بزرگ شیعه و ثقه می داند:

کان فقیها، جلیلا، ثقة.

الفهرست، ص ۱۵۷

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می گوید که او بزرگ مردم قم، فقیه با سابقه و پیش کسوت بود و دارای قدر و منزلت عظیمی است و شخصیت برجسته ای دارد:

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشی، ص ۳۸.

و شیخ طوسی می گوید که وی عالم گرانقدر، آگاه به علم رجال و در فقه تسلط کافی داشت و مورد اعتماد بود:

جلیل القدر، عارف بالرجال، موثق به... جلیل القدر، بصیر بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

عبد الله بن جعفر الحمیری:

نجاشی می گوید که او بزرگ قمی ها و چهره سرشناس آنان بود:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري أبو العباس القمي. شیخ القمیین و

وجههم.

رجال النجاشی، ص ۲۱۹

و شیخ طوسی نیز او را در دو کتاب خود توثیق کرده است:

علیه السلام جعفر الحمیری القمی، یکنی أبا العباس، ثقة...

الفهرست، ص ۱۶۸.

عبد الله بن جعفر الحمیری، قمی، ثقة.

رجال الطوسی، ص ۴۰۰

محمد بن عثمان العمری

شیخ طوسی می گوید که او و پدر بزرگوارش وکیل حضرت صاحب الزمان بودند و نزد شیعیان جایگاه بلندی داشتند:

۱۰۱ - محمد بن عثمان بن سعید العمری، یکنی أبا جعفر، وأبوه یکنی أبا عمرو، جمیعا وکیلان

من جهة صاحب الزمان علیه السلام، ولهما منزلة جلیلة عند الطائفة.

رجال الطوسی، ص ۴۴۷.

بنابراین سند این روایت هم کاملاً صحیح است و ثابت می‌کند که محمد بن عثمان عمری آن حضرت را در زمان غیبت صغری و در کنار خانه کعبه دیده است.

۱۰. محمد بن عثمان العمری:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِمُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ حِينَ قَالَ لَهُ «رَبُّ أَرْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي» فَأَخْبَرَنِي عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ هَلْ رَأَيْتَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَلَهُ رَقَبَةٌ مِثْلُ ذِي وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ.

عبد الله بن جعفر حمیری می‌گوید: به محمد بن عثمان عمری گفتم من از تو همان سؤالی را می‌کنم که ابراهیم علیه السلام از پروردگارش پرسد وقتی گفت: «پروردگارا به من نشان بده چگونه مرده‌ها را زنده می‌کنی گفت: مگر ایمان نداری؟ عرض کرد: چرا، ولی می‌خواهم دلم مطمئن شود» به من خبرده از صاحب الامر که او را دیدی؟ فرمود: آری، گردنی دارد مانند این و با دست خود اشاره به گردن خود نمود.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۳۵، ح ۳، ناشر: اسلامیه - تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ

محمد بن الحسن بن ولید:

محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید أبو جعفر شیخ القمیین، وفقیهم، و متقدمهم، و وجههم. ويقال: إنه نزيل قم، وما كان أصله منها. ثقة ثقة، عين، مسكون إليه.

رجال النجاشي، ص ۳۸۳.

محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید القمي، جليل القدر بصير بالفقه، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۴۳۹.

عبد الله بن جعفر الحميرى:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري أبو العباس القمي. شيخ القميين و

وجههم.

رجال النجاشي، ص ۲۱۹

عليه السلام جعفر الحميري القمي، يكنى أبا العباس، ثقة... ثقة...

الفهرست، ص ۱۶۸.

عبد الله بن جعفر الحميري، قمي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۴۰۰

محمد بن عثمان العمری:

محمد بن عثمان بن سعید، یکی از وکیلان و نواب خاص امام عصر علیه السلام بوده و جایگاه عظیمی در نزد امام عسکری و حضرت مهدی علیهما السلام داشته است؛ چنانچه شیخ طوسی در باره او و پدر بزرگوارش می نویسد:

محمد بن عثمان بن سعید العمری، یکنی ابا جعفر، وأبوه یکنی ابا عمرو، جمیعا وکیلان من جهة صاحب الزمان علیه السلام، ولهما منزلة جلیلة عند الطائفة.
رجال الطوسی، ص ۴۴۷.

۱۱. توصیف حضرت حجت علیه السلام توسط عثمان بن سعید العمری

شیخ کلینی در کتاب شریف کافی می نویسد:

۴- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِلْعَمْرِيِّ قَدْ مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ قَدْ مَضَى وَلَكِنْ قَدْ خَلَفَ فِيكُمْ مَنْ رَقَبْتَهُ مِثْلَ هَذَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ.

حمدان القلانسی گوید: به عثمان بن سعید گفتم: امام عسکری از دنیا رفت؟ پس گفت: بلی؛ ولی در میان باقی گذاشت کسی را که گردن او این چنین است - با دستش نشان داد -

الكافي، ج ۱، ص ۳۳۱

بررسی سند روایت:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَانِ الْكَلِينِي

مرحوم نجاشی می گوید که او مورد اعتماد و چهره سرشناسی بود:

علي بن محمد بن إبراهيم بن أبان الرازي الكليني المعروف بعلان يكنى أبا الحسن. ثقة، عين. له كتاب أخبار القائم [عليه السلام]

فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشي) - النجاشي - ص ۲۶۱.

حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ:

مرحوم کشی می گوید که او فقیه، مورد اعتماد و اهل خیر بود:

وأما محمد بن أحمد النهدي: وهو حمدان القلانسي كوفي فقيه ثقة خير.

اختیار معرفة الرجال (رجال الكشي)، ج ۲، ص ۸۱۲

دسته چهارم: حضرت مهدی علیه السلام نهمین فرزند، از نسل امام حسین علیه السلام است

۱۲. رسول خدا صلی الله علیه وآله:

شیخ صدوق رحمت الله علیه در کتاب «الخصال» با سند صحیح از سلمان فارسی نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وآله امام حسین علیه السلام را امام، فرزند امام و پدر ائمه علیهم السلام معرفی کرده است:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يُزَيْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَى فَخْذِيهِ وَهُوَ يَقْبَلُ عَيْنِيهِ وَيَلْتَمُ فَاهُ وَهُوَ يَقُولُ أَنْتَ سَيِّدُ ابْنِ سَيِّدٍ، أَنْتَ إِمَامُ ابْنِ إِمَامٍ، أَبُو الْأَيْمَةِ، أَنْتَ حُجَّةُ ابْنِ حُجَّةٍ، أَبُو حُجَجٍ تَسْعَةٌ مِنْ صَلْبِكَ تَأْسَعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

«سلمان فارسی رحمت الله علیه روایت می‌کند: نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله بودم، دیدم حسین علیه السلام بر زانوی آن حضرت نشسته، پیامبر چشم‌ها و دهان وی را می‌بوسد و می‌گوید: تو سرور امت من و فرزند سرور امت من هستی، و تو امام فرزند امام و پدر امام هستی، تو حجت خدا و پدر ۹ تن از حجت‌های خداوندی که از نسل تو هستند که نهمین آنان، حضرت قائم است.»

همین روایت در کتاب الإختصاص شیخ مفید رحمت الله علیه با سند دیگر و در کتاب الإمامة والتبصرة و كفاية الأثر با همان سند شیخ صدوق رحمت الله علیه نقل شده است.

الصدوق، محمد بن علي، الخصال، ج ۲، ص ۴۷۵، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية - قم؛

المفيد، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۲۰۸، دار المفيد - بيروت؛

ابن بابويه، علي بن الحسين، الإمامة والتبصرة من الحيرة، ص ۱۱۰، مدرسة الإمام المهدي - قم؛ الخزاز، علي بن محمد،

كفاية الأثر، ص ۴۶، بيدار - قم، ۱۴۰هـ

از این روایت نکات ذیل قابل استفاده است:

۱. امام حسین علیه السلام «امام» و پدر او امیرمؤمنان علیه السلام نیز «امام»

بوده است؛

۲. «امامت» بعد از امام حسین در نسل آن حضرت ادامه خواهد یافت؛

۳. ائمه علیهم السلام حجت خداوند بر مردم هستند؛

۴. نهمین فرزندان امام حسین علیه السلام قائم آل محمد (مهدی) خواهد بود.

سند روایت:

علی بن الحسین بن بابویه:

مرحوم نجاشی او را بزرگ، پیشتاز، پیشکسوت فقها و دانشمندان قم و ثقه دانسته است:

شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم...

رجال النجاشی، ص ۲۶۱

و شیخ طوسی نیز می گوید که از فقهای بزرگ و مورد اعتماد بوده است:

کان فقیها، جلیلا، ثقة.

الفهرست، ص ۱۵۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۳۹۷-۳۹۸، رقم: ۸۰۷۶

سعد بن عبد الله الأشعری:

نجاشی او را عالم بزرگ، فقیه و چهره شناخته شده شیعه معرفی کرده است:

شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها....

رجال النجاشی، ص ۱۷۷

و شیخ طوسی نیز می گوید که او گرانقدر و قابل اعتماد بوده است:

جلیل القدر، ثقة.

الفهرست، ص ۱۳۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۷۸، رقم: ۵۰۵۸

یعقوب بن یزید:

نجاشی می گوید که وی مورد اعتماد و بسیار راستگو بوده است:

و کان ثقة صدوقا...

رجال النجاشی، ص ۴۵۰

و شیخ طوسی نیز او را ثقه می داند:

کثیر الروایة، ثقة.

الفهرست، ص ۲۶۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۱۵۶، رقم: ۱۳۷۷۸

حماد بن عیسی:

نجاشی او در نقل حدیث قابل اعتماد و بسیار راستگو توصیف کرده است:

و کان ثقة فی حدیثه، صدوقا.

رجال النجاشی، ص ۱۴۲

و شیخ طوسی نیز وی را از نویسندگان شیعه و مورد اعتماد می داند:

له کتب، ثقة.

رجال الطوسی، ص ۳۳۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۳۶-۲۳۷، رقم: ۳۹۷۲

عبد الله بن مسكان:

نجاشی می گوید که از دانشمندان سرشناس و مورد اعتماد بوده است:
ثقة، عين.

رجال النجاشي، ص ۲۱۴

و شيخ طوسي نیز او را توثق کرده است:

عبد الله بن مسكان ثقة.

الفهرست، ص ۱۶۸، معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۳۴۷، رقم: ۷۱۷۳

أبان بن تغلب:

نجاشی می نویسد که او محضر سه امام علیهم السلام را درک و جایگاه خاصی نزد آن بزرگواران داشته و شیعیان نیز برای او موقعیت ممتازی قائل بوده اند:

عظیم المنزلة في أصحابنا، لقي علي بن الحسين، وأبا جعفر، وأبا عبد الله عليهم السلام وروى عنهم، وكانت له عندهم منزلة وقدم.

رجال النجاشي، ص ۱۰.

شيخ طوسي نیز می گوید که او جایگاه ویژه نزد شیعیان داشته و گرانقدر و محترم بوده

است:

ثقة، جليل القدر، عظيم المنزلة في أصحابنا.

الفهرست، ص ۵۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۳۱، رقم: ۲۸.

۱۳. امیر مؤمنان علیه السلام:

شيخ صدوق در کتاب عيون اخبار الرضا، هنگام نقل حدیث شریف ثقلین، نام ائمه علیهم السلام را نیز از زبان امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ:...

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّنِي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي مِنَ الْعِترَةِ؟ فَقَالَ:

أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَئِمَّةُ التَّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَّتُهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يُفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَوْضَهُ.

«از امیر مؤمنان علیه السلام پرسیدند: معنی سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله که فرموده: «انّی مخلف فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» چیست؟ عترت چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: مقصود از عترت، من و

حسین و نه نفر از اولاد حسین هستیم، نفر نهم مهدی و قائم عترت است، اینان از قرآن جدا نخواهند شد تا زمانی که در کنار حوض کوثر خدمت پیغمبر برسند».

الصدوق، محمد بن علی (متوفای ۳۸۱هـ)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۰، مؤسسة الأعلمی - بیروت.

این روایت ثابت می‌کند که اهل بیت علیهم السلام و قرآن کریم، جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از آن حضرت هستند و مقصود از حدیث شریف ثقلین امامان دوازدهگانه شیعه هستند. همچنین این روایت، عصمت مطلق اهل بیت علیهم السلام و همراهی همیشگی آنها را با قرآن گوشزد می‌کند.

بررسی سند روایت:

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی:

او از اساتید شیخ صدوق رحمت الله علیه است و شیخ از او به بزرگی یاد کرده و می‌گوید:

وكان رجلا ثقة دينا فاضلا رحمة الله عليه ورضوانه.

«او شخص مورد اعتماد، متدین و فاضل بود، رحمت و رضوان خداوند بر او نثارش باد».

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹

با تأیید شیخ صدوق، نیازی نیست تا سخن دیگران را در این باره ذکر کنیم.

علی بن ابراهیم بن هاشم:

او از اساتید شیخ کلینی است، نجاشی در باره او می‌گوید: «علی بن ابراهیم قمی، در نقل

حدیث مطمئن و مورد اعتماد است و مذهب صحیحی دارد».

القمی، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

رجال النجاشی، ص ۲۶۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهیم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته: «ورواة

الحديث ثقات بالاتفاق»

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

این جمله به روشنی ثابت می‌کند که تمام علمای شیعه بر وثاقت او اجماع داشته‌اند.

محمد بن ابی عمیر:

وی از برترین راویان شیعه و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود؛ یعنی از افرادی است که

هر روایتی که با سند صحیح به آنها برسد، شیعیان اتفاق بر قبول آن دارند.

نجاشی در باره او می گوید: وی از نظر ما و حتی مخالفان، عالمی گرانقدر و والا مقام است:

جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

رجال النجاشي، ص ۳۲

و شيخ طوسي می گوید: وی مطمئن ترین، زاهدترین، با تقواترین و عابدترین شخص نزد شیعه و سنی است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ۲۱۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، رقم: ۱۰۰۴۳.

غياث بن ابراهيم التميمي الأسدي:

نجاشی می گوید: «وی مورد اعتماد بود و از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام حدیث نقل کرده است».

ثقة. روى عن أبي عبد الله وأبي الحسن عليهما السلام.

رجال النجاشي، ص ۳۰۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۲۵۰، رقم: ۹۲۹۹

۱۴. امام باقر عليه السلام:

شيخ كليني با سند صحيح نقل می کند:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَكُونُ تِسْعَةُ أُمَّةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَأْسَعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

«ابوبصير از امام باقر عليه السلام نقل کرده است که بعد از امام حسين بن علي عليهما السلام ۹ امام خواهند آمد که نهمين امام قائم آنها است».

الكافي، ج ۱، ص ۵۳۳

علامه مجلسی در باره سند این روایت می گوید:

الحديث الخامس عشر: حسن كالصحيح.

مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ۶، ص ۲۳۱.

بررسی سند روایت:

علی بن ابراهیم بن هاشم:

نجاشی در باره او می گوید: «علی بن ابراهیم قمی، در نقل حدیث مطمئن و مورد اعتماد است و مذهب صحیحی دارد».

القمي، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

رجال النجاشي، ص ۲۶۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهيم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته است که تمام روای آن مورد اعتماد هستند:

ورواة الحديث ثقات بالاتفاق.

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

این جمله به روشنی ثابت می‌کند که تمام شیعیان بر وثاقت او اجماع داشته‌اند.

محمد بن أبي عمير:

وی از برترین راویان شیعه و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود؛ یعنی از افرادی است که هر روایتی که با سند صحیح به آن‌ها برسد، شیعیان اتفاق بر قبول آن دارند.

نجاشی در باره او می‌گوید: وی از نظر ما و حتی مخالفان، عالم گرانقدر و والا مقام

است:

جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

رجال النجاشي، ص ۳۲.

و شیخ طوسی می‌گوید: وی مطمئن‌ترین، زاهدترین، با تقواترین و عابدترین شخص نزد

شیعه و سنی است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ۲۱۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، رقم: ۱۰۰۴۳.

سعید بن غزوان:

نجاشی می‌گوید: او مورد اعتماد است.

ثقة.

رجال النجاشي، ص ۱۸۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۱۳۳، رقم: ۵۱۷۲

ابو بصير اسدي:

او یکی از اصحاب اجماع است که علمای شیعه اتفاق دارند اگر روایتی با سند صحیح به

او منتهی شود، صحیح است. نجاشی در باره او می‌نویسد:

«یحیی بن قاسم، أبو بصير أسدي یا به عبارت دیگر أبو محمد: مورد اعتماد و بزرگ قوم و دارای قدر

منزلت بوده است.»

یحیی بن القاسم، أبو بصير الأسدي، وقيل أبو محمد: ثقة، وجیه...

رجال النجاشي، ص ۴۴۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۱، ص ۷۹، رقم: ۱۳۵۹۹.

دسته پنجم: چهارمین فرزند از فرزندان امام رضا علیه السلام

۱۵. روایت امام رضا علیه السلام

امام هشتم علیه السلام به ریان بن صلت می‌فرماید: صاحب الامر چهارمین شخص از فرزندان من است:

۷- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادِ بْنِ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ أَنَا صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ وَ لَكِنِّي لَسْتُ بِالَّذِي أَمَلُوهُمَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَكَيْفَ أَكُونُ ذَلِكَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ ضَعْفِ بَدَنِي وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَانِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَتْ صُخُورُهَا يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَخَاتَمُ سُلَيْمَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي يَغِيْبُهُ اللَّهُ فِي سِتْرِهِ مَا شَاءَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

ریان بن صلت می‌گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم شما صاحب الامر هستید؟ فرمود من هم صاحب الامر ولی آن صاحب الامر نیستم که زمین را پر از عدالت کند چنانچه پر از ستم شده است و چگونه او باشم با اینکه می‌بینی بدنم ضعیف است ولی قائم آنست که چون ظهور کند در سن پیرانست و سیمای جوانان دارد نیرومند باشد تا بجائی که اگر دست به بزرگترین درخت زمین اندازد آن را از جا بکند و اگر میان کوهها نعره کشد سنگهای آنها از هم بپاشد با او است عصای موسی و خاتم سلیمان علیهما السلام او چهارمین فرزند من است خدا او را زیر پرده خود دارد تا بخواهد سپس او را ظاهر کند تا زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از جور و ستم شده است.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۷۶، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، ۱۴۰۵هـ

بررسی سند روایت:

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی:

او از اساتید شیخ صدوق رحمت الله علیه است و شیخ از او به بزرگی یاد کرده و می‌گوید:

وكان رجلا ثقة دينا فاضلا رحمة الله عليه ورضوانه.

«او شخص مورد اعتماد، متدین و فاضل بود، رحمت و رضوان خداوند بر او نثارش باد.»

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹

با تأیید شیخ صدوق، نیازی نیست تا سخن دیگران را در این باره ذکر کنیم.

علی بن ابراهیم بن هاشم:

او از اساتید شیخ کلینی است، نجاشی در باره او می گوید: «علی بن ابراهیم قمی، در نقل حدیث مطمئن و مورد اعتماد است و مذهب صحیحی دارد».

القمی، **ثقة في الحديث**، ثبت، معتمد، صحیح المذهب.

رجال النجاشی، ص ۲۶۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهیم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته: «ورواة

الحديث ثقات بالاتفاق»

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

این جمله به روشنی ثابت می کند که تمام علمای شیعه بر وثاقت او اجماع داشته اند.

ریان بن الصلت:

نجاشی می گوید که او مورد اعتماد و بسیار راستگو بوده است:

روی عن الرضا عليه السلام، **كان ثقة صدوقا**.

رجال النجاشی، ص ۱۶۵

و شیخ طوسی نیز می گوید که او مورد اعتماد و اصالتا اهل خراسان بوده است:

بغدادی، ثقة، خراسانی الأصل.

رجال الطوسی، ص ۳۵۷

معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۱۷.

دسته ششم: مخفی بودن ولادت حضرت مهدی علیه السلام

۱۶. امام رضا علیه السلام: ولادت مهدی علیه السلام مخفی اما نسبش

آشکار

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می نویسد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ

عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّا لَنَرَجُو أَنْ تَكُونَ صَاحِبَ هَذَا

الْأَمْرِ وَأَنْ يَرِدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ مِنْ غَيْرِ سَيْفٍ فَقَدْ بُوِيَ لَكَ وَضُرِبَتْ الدَّرَاهِمُ بِاسْمِكَ.

فَقَالَ: مَا مِنَّا أَحَدٌ اخْتَلَفَ إِلَيْهِ الْكُتُبُ وَسُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَأَشَارَتْ إِلَيْهِ الْأَصَابِعُ وَحُمِلَتْ إِلَيْهِ

الْأَمْوَالُ إِلَّا اغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِهَذَا الْأَمْرِ رَجُلًا خَفِيَ الْمَوْلِدُ وَالْمَنْشَأُ غَيْرَ

خَفِيَ فِي نَسَبِهِ.

ایوب بن نوح گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: امیدوارم صاحب الامر تو باشی و خدا آن را بدون شمشیر کشیدن به تو برگرداند، به درستی که با شما بیعت شده است و به نام شما سکه زده‌اند. آن حضرت فرمود: کسی از ما امامان نباشد که نامه‌ها نزد وی رفت و آمد نماید و از او مسأله پرسند و انگشت نما باشد و به وی مال امام بدهند جز آن که ربوده شود یا بر بستر خود بمیرد، تا خدای عز و جل برای این امر مردی را بر انگیزد که ولادت و زندگانش مخفی و نسبش آشکار است.
کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۷۰

بررسی سند روایت

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می گوید: بزرگ مردم قم، فقیه و پیش کسوت آنان به شمار می‌رفت، وی بسیار مورد اعتماد و مطمئن بود و شخصیت برجسته‌ای داشت.

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشی، ص ۳۸۳.

شیخ طوسی می گوید: وی گرانقدر و والا مقام است، به علم رجال تسلط دارد و مورد اعتماد است. در فقه نکته سنج و آگاه و مطمئن است.

جلیل القدر، عارف بالرجال، موثق به... جلیل القدر، بصیر بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار:

نجاشی می گوید: در میان عالمان شیعه قم، دارای قدر و منزلت، مورد اعتماد، گرانقدر و برتر از دیگران بوده و روایات او، افتادگی کمتری داشت:

کان وجهها فی أصحابنا القمیین، ثقة، عظیم القدر، راجحاً، قلیل السقط فی الروایة.

رجال النجاشی، ص ۳۵۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۶۳، رقم: ۱۰۵۳۲.

یعقوب بن یزید:

نجاشی می گوید: وی مورد اعتماد و بسیار صادق و راستگو بود:

وکان ثقة صدوقاً...

رجال النجاشی، ص ۴۵۰.

شیخ طوسی می گوید: وی روایات بسیاری نقل کرده و مورد اعتماد است:

کثیر الروایة، ثقة.

الفهرست، ص ۲۶۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۱۵۶، رقم: ۱۳۷۷۸.

ایوب بن نوح:

مرحوم نجاشی می گوید که او وکیل امام جواد و امام هادی علیهما السلام بوده و در نزد آن دو امام همان جایگاه بلندی داشت، امین و بسیار با تقوا بود، زیاد عبادت می کرد و در نقل روایت مورد اعتماد بود:

كان وكيلا لأبي الحسن وأبي محمد عليهما السلام، عظيم المنزلة عندهما، مأمونا، وكان شديد الورع، كثير العبادة، ثقة في رواياته.
رجال النجاشي، ص ۱۰۲.

شیخ طوسی نیز او را توثیق کرده است:

أيوب بن نوح بن دراج، ثقة.
الفهرست، ص ۵۶

معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۱۷۰

دسته هفتم: پیش بینی غیبت حضرت مهدی علیه السلام

۱۷. شبیه ترین فرد به رسول خدا (ص) از نظر سیرت و صورت:

شیخ کلینی با سند صحیح از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت، غیبت امام مهدی علیه السلام را پیش بینی کرده است:

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْمُتَوَكِّلُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ جَمِيعًا قَالُوا حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ وَأَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ جَمِيعًا قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مَجْبُوبِ السَّرَّادِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَكُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهَ النَّاسَ بِي خَلْقًا وَ خَلْقًا تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

مهدی از فرزندان من است، همنام و هم کنیه من است. او شبیه ترین شخص نسبت به من از نظر صورت و سیرت است. او دارای غیبتی است که مردم حیران هستند؛ به حدی که مردم از دین شان بر می گردند، در این زمان است که او همانند ستاره نفوذ کننده خواهد آمد و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷، ناشر: اسلامیه -

تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ

این روایت ثابت می‌کند که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل رسول خدا صلی الله علیه وآله است و غیبت طولانی خواهد داشت که در این دوران عده‌ای به خاطر عدم ایمان به گفته‌های رسول خدا صلی الله علیه وآله از دین خود خارج و گمراه می‌شوند. حضرت مهدی علیه السلام در چنین دورانی ظهور خواهند کرد.

همچنین این روایت ثابت می‌کند که حضرت مهدی علیه السلام از نظر اخلاق و سیرت شبیه‌ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه وآله است.

این مسأله می‌تواند در پاسخ به شبهه وهابیت که مدعی هستند آن حضرت در زمان ظهور خونریزی زیادی خواهد کرد، کاربرد زیادی دارد.

اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله خونریزی کرده است، حضرت مهدی علیه السلام نیز خواهد کرد؛ پس اشکالی ندارد و او پیرو سنت جدش رسول خدا صلی الله علیه وآله است و اگر رسول خدا چنین نکرده است، حضرت مهدی نیز نخواهد کرد.

بررسی سند روایت

علی بن الحسین بن بابویه:

او از فقها و از موثقین و علماء قم است، نجاشی در باره او می‌گوید:

شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم...

النجاشی، أحمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۲۶۱، مؤسسة النشر الاسلامی - قم.

و شیخ طوسی او را از فقهای بزرگ شیعه و ثقه می‌داند:

کان فقیها، جلیلا، ثقة.

الطوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، ص ۱۵۷، مؤسسة نشر الفقاهاة؛ الخوئی، السید أبو القاسم، معجم رجال الحدیث،

ج ۱۲، ص ۳۹۷-۳۹۸.

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار:

نجاشی می‌گوید: در میان عالمان شیعه قم، دارای قدر و منزلت، مورد اعتماد، گرانقدر و

برتر از دیگران بوده و روایات او، افتادگی کمتری داشت:

کان وجها فی أصحابنا القمیین، ثقة، عظیم القدر، راجحا، قلیل السقط فی الروایة.

رجال النجاشی، ص ۳۵۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۶۳، رقم: ۱۰۵۳۲.

سعد بن عبد الله الأشعری:

نجاشی او را عالم بزرگ، فقیه و چهره شناخته شده شیعه معرفی کرده است:

شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها....

رجال النجاشي، ص ۱۷۷

و شیخ طوسی نیز می گوید که او گراندقدر و قابل اعتماد بوده است.

جليل القدر، ثقة.

الفهرست، ص ۱۳۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۷۸، رقم: ۵۰۵۸.

محمد بن الحسين أبي الخطاب:

نجاشی می گوید: وی فرد با عظمت در میان علمای شیعه بوده و بسیار گراندقدر است، روایات زیادی نقل کرده و مورد اعتماد است و دارای شخصیت برجسته بود. تألیفات خوبی داشت و روایات او اطمینان آور است:

جليل من أصحابنا، عظيم القدر، كثير الرواية، ثقة، عين، حسن التصانيف، مسكون إلى روايته...

رجال النجاشي، ص ۳۳۴.

و شیخ طوسی او را با عنوان «کوفی ثقة» یاد می کند:

كوفي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۳۷۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۳۰۸ - ۳۰۹، رقم: ۱۰۵۸۱.

حسن بن محبوب:

شیخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گراندقدر و یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

كوفي، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

داود بن الحصين:

داود بن حصين الأسدي: مولا هم، كوفي، ثقة

رجال النجاشي، ص ۱۵۹

معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۱۰۲، رقم: ۴۳۹۱.

ابو بصير اسدي:

او یکی از اصحاب اجماع است که علمای شیعه اتفاق دارند اگر روایتی با سند صحیح به او منتهی شود، صحیح است. نجاشی در باره او می نویسد:

يحيى بن القاسم، أبو بصير الأسدي، وقيل أبو محمد: ثقة، وجيه...

«يحيى بن قاسم، أبو بصير أسدي و گفته شده أبو محمد: مورد اعتماد و بزرگ قوم و دارای قدر منزلت

بوده است».

رجال النجاشي، ص ۴۴۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۲۱، ص ۷۹، رقم: ۱۳۵۹۹.

۱۸. غیبت کبری و غیبت صغری:

شیخ کلینی با سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت مهدی دارای دو غیب خواهد بود:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا قَصِيرَةٌ وَالْأُخْرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتَهُ وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ.

برای قائم علیه السلام دو غیبت است که یکی کوتاه و دیگری طولانی خواهد بود. در غیبت اول کسی جایگاه او را نمی داند؛ مگر شیعیان خاص آن حضرت و در غیب دیگر کسی جایگاهش را نمی داند؛ مگر خادمان خاص ایشان.
الكافي، ج ۱، ص ۳۴۰.

بررسی سند روایت:

محمد بن یحیی العطار:

نجاشی می گوید: او بزرگ شیعیان در زمان خود، شخصیت برجسته آنان بود و مورد اعتماد و اطمینان است. از وی احادیث بسیاری نقل شده است:
شیخ أصحابنا في زمانه، ثقة، عين، كثير الحديث...
رجال النجاشي، ص ۳۵۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۹، ص ۳۳، رقم: ۱۲۰۱۰.
محمد بن الحسين أبي الخطاب:

نجاشی می گوید: وی فرد با عظمت در میان علمای شیعه بوده و بسیار گرانقدر است، روایات زیادی نقل کرده و مورد اعتماد است و دارای شخصیت برجسته بود. تألیفات خوبی داشت و روایات او اطمینان آور است:

جليل من أصحابنا، عظيم القدر، كثير الرواية، ثقة، عين، حسن التصانيف، مسكون إلى روايته...
رجال النجاشي، ص ۳۳۴.

و شیخ طوسی او را با عنوان «کوفی ثقة» یاد می کند:
کوفی، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۳۷۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۳۰۸-۳۰۹، رقم: ۱۰۵۸۱.

حسن بن محبوب:

شیخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

کوفی، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

إسحاق بن عمار بن حيان الساباطى الصيرفى:

شيخ طوسى او را ثقة دانسته است:

إسحاق بن عمار، ثقة، له كتاب.

رجال الطوسى، ص ۳۳۱.

معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۲۲۳، رقم: ۱۱۶۵

دسته هشتم: وظایف شیعیان در دروان غیبت

۱۹. اگر امام شما غائب شد، آن را انکار نکنید:

شيخ كلينى با دو سند صحيح نقل مى كند كه امام صادق عليه السلام فرمود:

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ بَلَّغَكُمْ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلَا تُنْكِرُوهَا.

اگر از صاحب این امر (امام شما) خبر غیبتش رسید، او را انکار نکنید.

الكافي، ج ۱، ص ۳۳۸.

این روایت با اندک تفاوت در سند، در جای دیگر اصول کافی نیز نقل شده است:

۱۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ بَلَّغَكُمْ عَنْ صَاحِبِكُمْ غَيْبَةً فَلَا تُنْكِرُوهَا.

الكافي، ج ۱، ص ۳۴۰

بررسی سند روایت:

على بن ابراهيم بن هاشم:

نجاشی در باره او می گوید: «على بن ابراهيم قمى، در نقل حديث مطمئن و مورد اعتماد

است و مذهب صحيحى دارد».

القمي، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

رجال النجاشي، ص ۲۶۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهيم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته است که

تمام روات آن مورد اعتماد هستند:

ورواة الحديث ثقات بالاتفاق.

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

محمد بن أبي عمير:

وی از برترین راویان شیعه و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود؛ یعنی از افرادی است که هر روایتی که با سند صحیح به آن‌ها برسد، شیعیان اتفاق بر قبول آن دارند. نجاشی در باره او می‌گوید: وی از نظر ما و حتی مخالفان، عالم گرانقدر و والا مقام است:

جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

رجال النجاشي، ص ۳۲

و شیخ طوسی می‌گوید: وی مطمئن‌ترین، زاهدترین، با تقواترین و عابدترین شخص نزد شیعه و سنی است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ۲۱۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، رقم: ۱۰۰۴۳.

مقصود از «عده من أصحابنا» در این سند: «علی بن ابراهیم وعلی بن محمد بن عبد الله ابن اذینه و أحمد بن عبد الله بن أمية وعلی بن الحسن» هستند که در مطمئن و مورد اعتماد بودن هیچ یک از آن‌ها تردیدی نیست. و دست کم وثاقت علی بن ابراهیم در همین جا بررسی شده است.

الحلي، الحسن بن يوسف، خلاصة الأقوال، ص ۴۳۰، مؤسسة نشر الفقهة - قم.

احمد بن محمد بن عيسى الأشعري:

وی از بزرگان قم و دارای منزلتی عظیم در میان آنان بود. شیخ طوسی می‌گوید:

شیخ قم، ووجهها، وفقیها.

الفهرست، ص ۶۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۸۷، رقم: ۹۰۲.

علی بن الحکم الأنباری:

شیخ طوسی او را مورد اعتماد و گرانقدر معرفی کرده است:

علي بن الحكم الكوفي، ثقة، جليل القدر.

الفهرست، ص ۱۵۱.

أبو أيوب الخزاز:

نجاشی می‌گوید که او مورد اعتماد و دارای مقام بلند در نزد شیعیان بود:

إبراهيم بن عيسى أبو أيوب الخزاز وقيل إبراهيم بن عثمان، روى عن أبي عبد الله وأبي الحسن

عليهما السلام، ذكر ذلك أبو العباس في كتابه، ثقة، كبير المنزلة له كتاب نوادر كثير الرواة.

رجال النجاشي، ص ۲۰

و شیخ طوسی نیز می گوید که او مورد اعتماد است:

إبراهيم بن عثمان، المكنى بابي أيوب، الخزاز الكوفي، ثقة. له أصل.

الفهرست، ص ۴۱.

محمد بن مسلم بن رباح:

نجاشی می گوید: او در میان شیعیان کوفه قدر و منزلت داشت. فقیهی با تقوا و از یاران امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. او از این دو امام بزرگوار روایات زیادی نقل کرده و از مورد اعتماد ترین و مطمئن ترین افراد به شمار می رود:

وجه أصحابنا بالكوفة، فقيه، ورع، صحب أبا جعفر وأبا عبد الله عليهما السلام، وروى عنهما، وكان من أوثق الناس.

رجال النجاشي، ص ۳۲۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۲۶۱، رقم: ۱۱۸۰۷

۲۰. به آن چه پیش از غیبت آموخته‌اید عمل کنید:

امام صادق علیه السلام به عبد الله بن سنان و ابو علی فرمودند، در زمان غیبت، به روایاتی که از ائمه به دست تان رسیده عمل کنید:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: فَكَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا صَرْتُمْ فِي حَالٍ لَا تَرَوْنَ فِيهَا إِمَامًا هُدًى؟ وَ لَا عِلْمًا يَرَى؟ وَ لَا يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دَعَاءَ الْغَرِيقِ؟

فَقَالَ لَهُ أَبِي: إِذَا وَقَعَ هَذَا لَيْلًا فَكَيْفَ نَصَنَعُ؟

فَقَالَ: أَمَا أَنْتَ فَلَا تُدْرِكُهُ، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ، فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ، حَتَّى يَتَضَحَّ لَكُمْ الْأَمْرُ.

عبد الله بن سنان گوید: من و ابو علی بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم؛ پس آن حضرت فرمود: چگونه خواهید بود آن هنگام که زندگی شما بگذرد؛ اما امام هدایت گر و پرچم نبینید. در این زمان کسی نجات نیابد مگر این که دعاء غریق بخواند؟

پدرم عرض کرد: اگر این وضعیت ظلمانی اتفاق بیفتد، چه کار کنیم؟

آن حضرت فرمود: اما تو آن زمان را درک نخواهی کرد، اگر چنین شد؛ به آن چه در دست شما است تمسک کنید (به آن چه از ائمه قبل آموخته‌اید، عمل کنید) تا این که وضعیت برای شما واضح شود.

الإمامة و التبصرة من الحيرة؛ النص؛ ص ۱۲۷

بررسی سند روایت

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار:

نجاشی می گوید: در میان عالمان شیعه قم، دارای قدر و منزلت، مورد اعتماد، گرانقدر و برتر از دیگران بوده و روایات او، افتادگی کمتری داشت:

كان وجهها في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر، راجحاً، قليل السقط في الرواية.

رجال النجاشي، ص ۳۵۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۲۶۳، رقم: ۱۰۵۳۲.

عباس بن معروف:

نجاشی می گوید که او اهل قم و مورد اعتماد بوده است:

أبو الفضل مولى جعفر بن [عمران بن] عبد الله الأشعري، قمي، ثقة.

رجال النجاشي، ص ۲۸۱.

و شیخ طوسی می گوید که خود او مورد اعتماد و روایتش صحیح است:

العباس بن معروف، قمي، ثقة صحيح، مولى جعفر بن عمران بن عبد الله الأشعري.

رجال الطوسي، ص ۳۶۱.

علی بن مهزیار

مرحوم نجاشی می گوید که وکیل امام جواد علیه السلام بود و نزد آن حضرت جایگاه ویژه‌ای داشت. همچنین در نقل روایت مورد اعتماد است و هیچ اشکالی نمی‌توان به او گرفت، اعتقادش صحیح است و کتاب‌های مشهوری نوشته است:

علي بن مهزيار الأهوازي أبو الحسن دورقي الأصل، مولى...

و روی عن الرضا وأبي جعفر عليهما السلام، واختص بأبي جعفر الثاني [عليه السلام] وتوكل له وعظم محله منه، وكذلك أبو الحسن الثالث عليه السلام وتوكل لهم في بعض النواحي، وخرجت إلى الشيعة فيه توقيعات بكل خير، وكان ثقة في روايته لا يظعن عليه، صحيحاً اعتقاده. وصنف الكتب المشهورة.

رجال النجاشي، ص ۲۵۳

و شیخ طوسی می گوید:

او بسیار گرانقدر بود، روایات زیادی نقل کرد و مورد اعتماد است:

علي بن مهزيار الأهوازي رحمه الله، جليل القدر، واسع الرواية، ثقة، له ثلاثة وثلاثون كتاباً.

الفهرست، ص ۱۵۲.

حسن بن محبوب:

شیخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

کوفي، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

حماد بن عیسی:

وی از بزرگان شیعه در نقل حدیث، مورد اعتماد و بسیار صادق است. نجاشی از او با عنوان: «وكان ثقة في حديثه، صدوقا» یاد کرده است.

رجال النجاشي، ص ۱۴۲

و شیخ طوسی نیز او را مورد اعتماد دانسته است.
ثقة.

الفهرست، ص ۱۱۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۷، ص ۲۳۶-۲۳۷، رقم: ۳۹۷۲.

إسحاق بن جریر:

نجاشی او را مورد اعتماد دانسته است:

إسحاق بن جریر بن یزید بن جریر بن عبد الله البجلي، أبو يعقوب، ثقة.

رجال النجاشي، ص ۷۱.

عبد الله بن سنان:

نجاشی در باره او می گوید: وی اهل کوفه و از علمای مورد اطمینان ما شیعیان و بسیار گرامی است و هیچ عیبی از آن نمی توان جست... بسیاری از علمای ما از وی روایاتی نقل کرده اند؛ زیرا نزد بزرگان شیعه، مردی بزرگ و مورد اطمینان به شمار می رود:

کوفي، ثقة، من أصحابنا، جليل لا يطعن عليه في شيء.... روى هذه الكتب عنه جماعات من

أصحابنا لعظمه في الطائفة، وثقته وجلالته.

رجال النجاشي، ص ۲۱۴.

شیخ طوسی می گوید: عبد الله بن سنان مردی مورد اعتماد است.

عبد الله بن سنان، ثقة له كتاب.

الفهرست، ص ۱۶۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۴، رقم: ۶۹۱۹.

۲۱. هرکس امام زمانش را بشناسد، انگار که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه‌اش حضور دارد:

امام صادق علیه السلام به حمران بن اعین فرمودند: امامت را بشناس اگر شناختی، تقدم و تأخیر ظهورش به تو ضرری نمی‌رساند و مثل کسی هستی که در خیمه حضرت با آن حضرت باشد:

۷- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: اعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَمْ تَأَخَّرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» فَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: امامت را بشناس؛ زیرا زمانی که امامت را شناختی، جلو افتادن و یا به تأخیر افتادن این امر ضرری به تو نمی‌زند. به درستی که خداوند فرموده است: «روزی که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم» پس کسی که امامش را بشناسد؛ همانند کسی است که با قائم علیه السلام در خیمه‌اش باشد. ابن ابی زینب النعمانی، أبو عبد الله محمد بن ابن إبراهيم بن جعفر الكاتب (متوفای ۳۶۰هـ)، الغیبة، ص ۳۵۲، تحقیق: فارس حسون کریم، ناشر: أنوار الهدی - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ.

بررسی سند روایت:

احمد بن محمد بن سعید:

نجاشی در باره او می‌گوید:

هذا رجل جليل في أصحاب الحديث، مشهور بالحفظ، والحكايات تختلف عنه في الحفظ وعظمه، وكان كوفيا زيدا جاروديا على ذلك حتى مات، وذكره أصحابنا لاختلاطه بهم ومدخلته إياهم وعظم محله وثقته وأمانته.

این شخص نزد اصحاب حدیث قدر و منزلت داشت، در حفظ مشهور بود، خبرهای زیادی در باره حفظ و عظمت او نقل شده است. اهل کوفه و پیرو فرقه جارودیه از مذهب زیدیه بود و تا آخر عمر بر این مذهب ماند. شیعیان از او به خاطر این که زیاد با آنها رفت و آمد داشت و همچنین به خاطر جایگاه بزرگ او، مورد اعتماد و امانت‌داریش، از او یاد کرده‌اند.

رجال النجاشي، ص ۹۴.

و شیخ طوسی می‌گوید:

وأمره في الثقة والجلالة وعظم الحفظ أشهر من أن يذكر

و ضیعت او در وثاقت و جلالت، و حافظه قوی، مشهورتر از آن است که ذکر شود.

الفهرست، ص ۷۳.

یحیی بن زکریا بن شیبان:

نجاشی می گوید که او بزرگ، مورد اعتماد و بسیار راستگو بود و نمی توان به او اشکالی

وارد کرد:

الشیخ، الثقة، الصدوق، لا یطعن علیه.

رجال النجاشی، ص ۴۴۲.

علی بن سیف بن عمیره:

نجاشی می گوید که او مورد اعتماد است:

علی بن سیف بن عمیره النخعی أبو الحسن کوفی، مولی، ثقة

رجال النجاشی، ص ۲۷۸

سیف بن عمیره:

شیخ طوسی او را توثیق کرده است:

ثقة، کوفی نخعی عربی.

الفهرست، ص ۱۴۰.

حمران بن أعین:

روایات فراوانی در کتاب های شیعه در باره جلالت و عظمت حمران ابن أعین نقل شده

است که حضرت آیت الله العظمی خوئی پس از نقل آن ها می گوید:

وهذه الروایات وإن كانت أكثرها ضعيفة السند إلا أن في المعتبرة منها كفاية في إثبات جلالة

حمران، وقد تقدم في ترجمة أويس القرني حديث أسباط ابن سالم عن أبي الحسن موسى عليه السلام،

أن حمران بن أعین، من حواری محمد بن علی وجعفر بن محمد علیهم السلام.

این روایت اگر چه اکثر آن ها ضعیف هستند؛ ولی روایات معتبری نیز در این میان وجود دارد که برای

اثبات جلالت و عظمت او کفایت می کند. در ترجمه او ایس قرنی حدیث اسباط بن سالم گذشت که امام کاظم

علیه السلام فرمود: حمران بن أعین از حواری (اصحاب خاص) امام باقر و امام صادق علیه السلام بوده است.

معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۲۷۳

بنابراین در وثاقت او شکی نیست.

۲۲. اگر دورانی رسید که امام خود را نیافتید، به خداوند پناه ببرید و...

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می نویسد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ

قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَالْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ

عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبِ السَّرَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِابٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

إِنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعْلَمَهُمْ بِهِ وَأَرْأَفَهُمْ بِالنَّاسِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْأَيْمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَادْخُلُوا أَيْنَ دَخَلُوا وَفَارِقُوا مَنْ فَارِقُوا. - عَنِ بَدَلِكِ حُسَيْنًا وَوَلَدَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - فَإِنَّ الْحَقَّ فِيهِمْ وَهُمْ الْأَوْصِيَاءُ وَمِنْهُمْ الْأَيْمَةُ فَأَيْنَمَا رَأَيْتُمُوهُمْ فَاتَّبِعُوهُمْ وَإِنْ أَصْبَحْتُمْ يَوْمًا لَا تَرَوْنَ مِنْهُمْ أَحَدًا فَاسْتَغِيثُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَانظُرُوا السَّنَةَ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْهَا وَاتَّبِعُوهَا وَأَحْبِبُوا مَنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ وَأَبْغِضُوا مَنْ كُنْتُمْ تَبْغِضُونَ فَمَا أَسْرَعَ مَا يَأْتِيكُمْ الْفَرَجُ.

«ابو حمزه ثمالی گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی نزدیکترین مردم به خدای عز و جل و داناترشان به او و آشناترین آنان نسبت به مردم، محمد و ائمه صلوات الله عليهم هستند. پس هر جا که آنها وارد شدند، شما نیز وارد شوید و آنها از هر کس که جدا شدند شما هم جدا شوید - مقصود امام حسین علیه السلام است و فرزندانش - زیرا که حق با آنها است. چه اوصیای خوبی هستند! و امامان امت از آنها هستند. هر کجا آنها را دیدید از آنها پیروی کنید. اگر روزی شد که هیچ کسی از آنها را ندیدید؛ پس از خدای عز و جل طلب یاری کنید و از همان روشی که داشتید، پیروی کنید. کسانی را که دوست داشتید، دوست بدارید و با کسانی که آنها را دشمن می داشتید، همچنان دشمن باشید. در این صورت به زودی فرج شما سر خواهد رسید.»

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۳۲، ناشر: اسلامیه - تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۹۵ هـ.

در این روایت امام دورانی را پیش بینی می کند که شیعیان امام خود را نخواهند دید و می فرماید که در این دوران شیعه وظیفه دارد به روش گذشته خود که از ائمه گذشته یاد گرفته اند عمل نمایند و...

بررسی سند روایت

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می گوید که او بزرگ مردم قم، فقیه با سابقه و پیش کسوت بود و دارای قدر و منزلت عظیمی است و شخصیت برجسته ای دارد:

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشی، ص ۳۸.

و شیخ طوسی می گوید که وی عالم گرانقدر، آگاه به علم رجال و در فقه تسلط کافی داشت و مورد اعتماد بود:

جلیل القدر، عارف بالرجال، موثوق به... جلیل القدر، بصیر بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار:

نجاشی می گوید: در میان عالمان شیعه قم، دارای قدر و منزلت، مورد اعتماد، گرانقدر و برتر از دیگران بوده و روایات او، افتادگی کمتری داشت:

كان وجهها في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر، راجحاً، قليل السقط في الرواية.

رجال النجاشي، ص ۳۵۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۲۶۳، رقم: ۱۰۵۳۲.

محمد بن الحسين أبي الخطاب:

نجاشی می گوید: وی فرد با عظمت در میان علمای شیعه بوده و بسیار گرانقدر است، روایات زیادی نقل کرده و مورد اعتماد است و دارای شخصیت برجسته بود. تألیفات خوبی داشت و روایات او اطمینان آور است:

جليل من أصحابنا، عظيم القدر، كثير الرواية، ثقة، عين، حسن التصانيف، مسكون إلى روايته...

رجال النجاشي، ص ۳۳۴.

و شيخ طوسي او را با عنوان «كوفي ثقة» یاد می کند:

كوفي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۳۷۹؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۳۰۸-۳۰۹، رقم: ۱۰۵۸۱.

حسن بن محبوب:

شيخ طوسي می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

كوفي، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

علي بن رثاب:

شيخ طوسي می گوید: علی بن رثاب اهل کوفه و کتاب او یکی از اصول (چهارصدگانه حدیث شیعه در زمان ائمه) بود. وی بسیار گرانقدر و مورد اعتماد بود:

علي بن رثاب الكوفي: له أصل كبير، وهو ثقة جليل القدر.

الفهرست، ص ۱۵۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۰، رقم: ۸۱۳۹.

ابو حمزة الثمالي:

ثابت بن دينار یا ثابت ابي صفيه، مشهور به أبو حمزه ثمالي، از یاران خاص امام سجاد علیه السلام بود و توسط بزرگان شیعه توثیق شده است. شیخ طوسی گفته است که او مورد اعتماد بود:

ثقة.

الفهرست، ص ۹۰.

و نجاشی در باره او می نویسد:

وی از اهالی کوفه و مورد اعتماد است. از شیعیان برگزیده، تأیید شده و مورد اعتماد آنان در نقل روایت به شمار می رود:

کوفی، ثقة... وکان من خيار أصحابنا وثقاتهم، ومعمدیهم، فی الروایة والحديث.
رجال النجاشی، ص ۱۱۵.

و شیخ صدوق نیز در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه در توصیف او می نویسد:
وهو ثقة، عدل.

من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۴.

۲۳. در دوران غیبت بر اعتقاداتان استوار بمانید:

امام صادق علیه السلام به زاره توصیه فرمود که در زمان غیبت بر اعتقاداتی که دارید استوار بمانید:

۱۲۳ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ. فَقُلْتُ لَهُ: مَا يَصْنَعُ النَّاسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؟ قَالَ: يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ.

زمانی بر مردم خواهد گذشت که امام آن‌ها غائب می شود. سؤال کردم، وظیفه مردم در آن زمان چیست؟ فرمود: بر همان طریقه‌ای که دارند بمانند تا مطلب بر آن‌ها روشن شود.

القمي، أبو الحسن علي بن الحسين بن بابويه (متوفای ۳۲۹هـ)، الإمامة والتبصرة من الحيرة، ص ۱۲۵، تحقیق و نشر: مدرسة الإمام المهدي - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ هـ - ۱۳۶۳ ش.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۵۰، تحقیق: علي اكبر الغفاري، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، ۱۴۰۵هـ.

بررسی سند روایت

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ:

نجاشی می طوی که او بزرگ قمی‌ها و چهره سرشناس آنان بود:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري أبو العباس القمي. شيخ القميين و

وجههم.

رجال النجاشی، ص ۲۱۹

و شیخ طوسی نیز او را در فهرست و رجالش توثیق کرده است:

عليه السلام جعفر الحميري القمي، يكنى أبا العباس، ثقة...^{١٦٨}

الفهرست، ص ١٦٨.

عبد الله بن جعفر الحميري، قمي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ٤٠٠

ايوب بن نوح:

مرحوم نجاشي مي گويد که او وکیل امام جواد و امام هادي عليهم السلام بوده و در نزد آن دو امام همان جايگاه بلندی داشت، امين و بسيار با تقوا بود، زياد عبادت مي کرد و در نقل روايت مورد اعتماد بود:

كان وكيلا لأبي الحسن وأبي محمد عليهما السلام، عظيم المنزلة عندهما، مأمونا، وكان شديد الورع، كثير العبادة، ثقة في رواياته.

رجال النجاشي، ص ١٠٢.

شيخ طوسي نيز او را توثيق کرده است:

أيوب بن نوح بن دراج، ثقة.

الفهرست، ص ٥٦

معجم رجال الحديث، ج ٤، ص ١٧٠

محمد بن أبي عمير:

وي از برترين راويان شيعه و از اصحاب اجماع به شمار مي رود؛ يعني از افرادي است که هر روايتي که با سند صحيح به آنها برسد، شيعيان اتفاق بر قبول آن دارند. نجاشي در باره او مي گويد: وي از نظر ما و حتي مخالفان، عالم گرانقدر و والا مقام است:

جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

رجال النجاشي، ص ٣٢.

و شيخ طوسي مي گويد: وي مطمئن ترين، زاهدترين، با تقواترين و عابدترين شخص نزد شيعه و سني است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ٢١٨؛ معجم رجال الحديث، ج ١٥، ص ٢٩١ - ٢٩٢، رقم: ١٠٠٤٣.

جميل بن دراج:

نجاشي به نقل ابن فضال مي نويسد که او بزرگ و چهره سرشناس شيعيان و مورد اعتماد بود:

وقال ابن فضال: أبو محمد شيخنا ووجه الطائفة، ثقة.

رجال النجاشي، ص ۱۲۶

و شيخ طوسی نیز او را توثیق کرده است:

جميل بن دراج. له أصل - وهو ثقة

الفهرست، ص ۹۴

معجم رجال الحديث، ج ۵، ص ۱۲۲

زراره بن أعين:

نجاشی می گوید که او بزرگ شیعیان در زمان خود، با سابقه و پیش کسوت آنان، قاری، فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بود... و در نقل احادیث بسیار راستگو بود:

شيخ أصحابنا في زمانه و متقدمهم، وكان قارئاً فقيهاً متكلماً شاعراً أديباً... صادقاً فيما يرويه.

رجال النجاشي، ص ۱۷۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۲۵، رقم: ۴۶۷۱.

۲۴. مردم دوران غیبت، نزدیکترین افراد به خداوند

این روایت را شیخ صدوق چنین نقل می کند:

۱۷- حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَحُجِبَ عَنْهُمْ فَلَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَهُمْ فِي ذَلِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَا تَبْطُلُ حُجَجُ اللَّهِ وَلَا بَيْنَاتُهُ فَعِنْدَهَا فَيَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَإِنْ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَباً عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا أَفْقَدَهُمْ حُجَّتَهُ فَلَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَقَدْ عَلِمَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَرْتَابُونَ وَلَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَرْتَابُونَ مَا أَفْقَدَهُمْ حُجَّتَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: بهترین زمانی که خداوند به بندگانش نزدیک و از آنها خشنود است، هنگامی است که مردم حجت خدا را از دست بدهند؛ و او برای آنها آشکار نشود و از نظر آنها غائب گردد، و آنها ندانند جای او کجاست.

با این حال این بندگان می دانند که حجت های الهی و نشانه های او، از میان نرفته است. در آن موقع صبح و شام منتظر فرج و ظهور باشید.

و سخت ترین زمانی که خداوند بر دشمنانش غضب می کند، هنگامی است، که خداوند حجت خود را از میان آنها بیرون ببرد و برای آنها آشکار نکند، و این در موقعی است که خداوند میدانند دوستانش (در باره حجت خدا) تردید ندارند، و اگر بدانند که در بودن و نبودن وی شک دارند به مقدار یک چشم بهم زدن او را غائب نمی کند!

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفای ۳۸۱هـ)، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۳۹، تحقیق: علي اکبر الغفاري، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي (التابعة) لجماعة المدرسين - قم، ۱۴۰۵هـ.

بررسی سند روایت:

علی بن الحسین بن بابویه:

او از فقها و از موثقین و علماء قم است، نجاشی در باره او می گوید:

شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم...

رجال النجاشي، ص ۲۶۱

و شیخ طوسی او را از فقهای بزرگ شیعه و ثقه می داند:

کان فقیها، جلیلا، ثقة.

الفهرست، ص ۱۵۷

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می گوید که او بزرگ مردم قم، فقیه باسابقه و پیش کسوت بود و دارای قدر و

منزلت عظیمی است و شخصیت برجسته ای دارد:

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشي، ص ۳۸.

و شیخ طوسی می گوید که وی عالمی گرانقدر، آگاه به علم رجال و در فقه تسلط کافی

داشت و مورد اعتماد بود:

جلیل القدر، عارف بالرجال، موثق به... جلیل القدر، بصیر بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

احمد بن محمد بن عیسی الأشعری:

وی از بزرگان قم و دارای منزلتی عظیم در میان آنان بود. شیخ طوسی می گوید:

شیخ قم، و وجهها، و فقیهها.

الفهرست، ص ۶۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۸۷، رقم: ۹۰۲.

الحسن بن محبوب:

شیخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از

ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

کوفي، ثقة. وکان جلیل القدر، يعد فی الأركان الأربعة فی عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

محمد بن علی بن النعمان الأحول:

شیخ طوسی در باره ایشان می نویسد:

یلقب عندنا مؤمن الطاق، ویلقبه المخالفون بشیطان الطاق، وهو من أصحاب الإمام جعفر الصادق علیه السلام وكان ثقة، متكلما، حاذقا، حاضر الجواب.

« ما محمد بن علی بن نعمان الاحول به نام «مؤمن الطاق» می شناسیم؛ اما مخالفان او لقب «شیطان الطاق» را به وی داده اند. او از اصحاب و یاران امام جعفر صادق علیه السلام و مورد اعتماد بود. وی سخنور، زیرک بود و برای هر سؤالی یک پاسخ سریع و آماده داشت.»

الفهرست، ص ۲۰۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۳۵، رقم: ۱۱۳۸۷.

دسته نهم: تأویل آیات در باره حضرت مهدی علیه السلام

۲۵. حضرت حجت علیه السلام آیت منتظره خداوند

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ» می فرماید که آیت منتظره، حضرت قائم علیه السلام است:

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ». (الأنعام/ ۱۵۸)
فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْآيَاتُ هُمُ الْأَئِمَّةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ، وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

علی بن رثاب از امام صادق علیه السلام روایت کند که در تأویل این آیه قرآن: «اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت» فرمود:

آیات عبارت از ائمه هستند و آیه منتظره قائم علیه السلام است، و در آن روز ایمان کسی که پیش از قیام او با شمشیر ایمان نیاورده باشد سودی ندارد، گرچه به پدرانش ایمان آورده باشد.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۱۸

۲۶. امام زمان علیه السلام نعمت باطنی خداوند

این روایت از امام موسی بن جعفر در تفسیر آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» بیان شده است:

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (لقمان/٢٠) فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ وَالْبَاطِنَةُ الْإِمَامِ الْغَائِبِ فَقُلْتُ لَهُ وَيَكُونُ فِي الْأَيْمَةِ مَنْ يَغِيبُ قَالَ نَعَمْ يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهَا يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَيَذَلُّ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَيَقْرِبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَيُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عِنْدَ وَيَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ الَّذِي تَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلِدَاتُهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

محمد بن زیاد ازدی گوید: از سرور خود موسی بن جعفر علیهما السلام از تفسیر این کلام الهی پرسیدم: «و نعمتهای آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است» فرمود:

نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غائب است، گفتم: آیا در میان ائمه کسی هست که غائب شود؟

فرمود: آری، شخص او از دیدگان مردم غایب می شود اما یاد او از قلوب مؤمنین نمی رود و او دوازدهمین فرد از ما امامان است، خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار سازد و گنجهای زمین را برایش آشکار کند و هر دوری را برای وی نزدیک سازد و به توسط وی تمامی جباران لجوج را نابود کند و هر شیطان سرکشی را به دست او هلاک می کند، او فرزند سرور کنیزان است کسی که ولادتش بر مردمان پوشیده و ذکر نامش بر آنها روا نیست تا آنگاه که خدای تعالی او را ظاهر ساخته و زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۸.

احمد بن زیاد بن جعفر همدانی:

نخستین راوی در سند روایت احمد بن زیاد همدانی استاد شیخ صدوق رحمت الله علیه است. وی در باره استادش می گوید:

«او شخصی مورد اعتماد، متدین و فاضل بود. رحمت و رضوان خداوند بر او باد».

وكان رجلا ثقة دينا فاضلا رحمة الله عليه ورضوانه.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۶۹.

علی بن ابراهیم بن هاشم:

نجاشی در باره او می گوید: «علی بن ابراهیم قمی، در نقل حدیث مطمئن و مورد اعتماد است و مذهب صحیحی دارد».

القمي، ثقة في الحديث، ثبت، معتمد، صحيح المذهب.

رجال النجاشي، ص ۲۶۰؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۲، ص ۲۱۲، رقم: ۷۸۳۰.

ابراهيم بن هاشم:

سید بن طاووس در سندی که ابراهیم بن هاشم در سلسله آن وجود دارد، گفته است که تمام روایات آن مورد اعتماد هستند:

ورواة الحديث ثقات بالاتفاق.

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۹۱، رقم: ۳۳۲.

این جمله به روشنی ثابت می‌کند که تمام شیعیان بر وثاقت او اجماع داشته‌اند.

أبي أحمد مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادِ الْأَزْدِيِّ = محمد بن أبي عمير:

وی از برترین راویان شیعه و از اصحاب اجماع به شمار می‌رود؛ یعنی از افرادی است که هر روایتی که با سند صحیح به آن‌ها برسد، شیعیان اتفاق بر قبول آن دارند.

نجاشی در باره او می‌گوید: وی از نظر ما و حتی مخالفان، عالم گرانقدر و والا مقام

است:

جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

رجال النجاشي، ص ۳۲.

و شیخ طوسی می‌گوید: وی مطمئن‌ترین، زاهدترین، با تقواترین و عابدترین شخص نزد

شیعه و سنی است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ۲۱۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، رقم: ۱۰۰۴۳.

دسته دهم: شباهت امام زمان علیه السلام به پیامبران

۲۷. چهار سنت انبیاء علیهم السلام در حضرت صاحب الامر علیه السلام:

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ

مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي صَاحِبِ

هَذَا الْأَمْرِ أَرْبَعٌ سُنَنٍ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى وَسُنَّةٌ مِنْ عِيسَى وَسُنَّةٌ مِنْ يُوسُفَ وَسُنَّةٌ

مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآهْلِ فَا مَأْمًا مِنْ مُوسَى فَخَائِفٌ يَتَرَقَّبُ وَأَمَّا مِنْ يُوسُفَ فَالْحَبْسُ وَأَمَّا مِنْ عِيسَى

فَيُقَالُ إِنَّهُ مَاتَ وَلَمْ يَمُتْ وَأَمَّا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالسَّيْفُ.

حدثنا أحمد بن زياد الهمداني رضي الله عنه قال حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم عن محمد بن

عيسى عن سليمان بن داود عن أبي بصير عن أبي جعفر ع بمثل ذلك.

امام باقر علیه السلام فرمود: صاحب این امر چهار سنت از سنت‌های انبیاء را دارد: سنتی از موسی، سنتی از عیسی، سنتی از یوسف و سنتی از محمد صلی الله علیه وآله. اما سنت آن حضرت از موسی علیه السلام این است که می‌ترسد و هر لحظه منتظر حادثه‌ای است. اما سنت یوسف علیه السلام این است که او حبس می‌شود، اما سنتی از عیسی علیه السلام این است که می‌گویند او مرده است؛ در حالی که نمرده است؛ اما سنتی از محمد صلی الله علیه وآله این است که او با شمشیر قیام خواهد کرد.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۲۶

علی بن الحسین بن بابویه:

او از فقها و از موثقین و علماء قم است، نجاشی در باره او می‌گوید:

شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم...

رجال النجاشی، ص ۲۶۱

و شیخ طوسی او را از فقهای بزرگ شیعه و ثقة می‌داند:

کان فقیها، جلیلا، ثقة.

الفهرست، ص ۱۵۷

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می‌گوید که او بزرگ مردم قم، فقیه با سابقه و پیش کسوت بود و دارای قدر و منزلت عظیمی است و شخصیت برجسته‌ای دارد:

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشی، ص ۳۸.

و شیخ طوسی می‌گوید که وی عالم گرانقدر، آگاه به علم رجال و در فقه تسلط کافی داشت و مورد اعتماد بود:

جلیل القدر، عارف بالرجال، موثق به... جلیل القدر، بصیر بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

عبد الله بن جعفر الحمیری:

نجاشی می‌گوید که او بزرگ قمی‌ها و چهره سرشناس آنان بود:

عبد الله بن جعفر بن الحسین بن مالک بن جامع الحمیری أبو العباس القمی. **شیخ القمیین و**

وجههم.

رجال النجاشی، ص ۲۱۹

و شیخ طوسی نیز او را در دو کتاب خود توثیق کرده است:

علیه السلام جعفر الحمیری القمی، یکنی أبا العباس، **ثقة**....

الفهرست، ص ۱۶۸.

عبد الله بن جعفر الحميري، قمي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ٤٠٠

محمد بن عيسى بن عبيد بن يقطين:

نجاشی می گوید که او از بزرگان شیعه و گرانقدر بود. مورد اعتماد است و شخصیت برجسته‌ای داشت. و روایات زیادی از وی نقل شده است. تألیفات خوبی نیز دارد:

أبو جعفر: جلیل فی أصحابنا، ثقة، عین، کثیر الروایة، حسن التصانیف.

رجال النجاشي، ص ٣٣٣.

سليمان بن داود المنقري:

مرحوم نجاشی می گوید که گروهی از شیعیان از او روایت نقل کرده است، از اصحاب امام باقر علیه السلام و ثقة است:

روی عن جماعة أصحابنا من أصحاب جعفر بن محمد [علیه السلام]، وكان ثقة.

رجال النجاشي، ص ١٨٤.

ابو بصير اسدي:

او یکی از اصحاب اجماع است که علمای شیعه اتفاق دارند اگر روایتی با سند صحیح به او منتهی شود، صحیح است. نجاشی در باره او می نویسد:

یحیی بن القاسم، أبو بصير الأسدي، وقيل أبو محمد: ثقة، وجيه...

«یحیی بن قاسم، أبو بصير أسدي یا به عبارت دیگر أبو محمد: مورد اعتماد و بزرگ قوم و دارای قدر منزلت بوده است».

رجال النجاشي، ص ٤٤١؛ معجم رجال الحديث، ج ٢١، ص ٧٩، رقم: ١٣٥٩٩.

دسته یازدهم: حرمت تعیین وقت ظهور

٢٨. تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَهُ، إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مَهْزَمٌ، فَقَالَ لَهُ:

جُعِلَتْ فِدَاكَ، أَخْبَرَنِي عَنْ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَنْتَظِرُهُ، مَتَى هُوَ؟

قال: يا مهزم، كذب الوقاتون، وهلك المستعجلون، ونجا المسلمون، وإلينا يصيرون.

محمد بن مسلم می گوید که نزد امام صادق علیه السلام بود که شخصی به نام مهزم وارد شد و گفت:

فدایت شوم! به من خبر بده که این امری که ما منتظر او هستیم، چه زمانی اتفاق می افتد؟

فرمود: ای مهزم! کسی که وقت تعیین کند، دروغگو است، کسی که شتابزدگی کند، هلاک خواهند شد؛ اما کسانی که تسلیم باشند نجات پیدا می‌کنند و به سوی ما بازمی‌گردند.
ابن بابویه القمی، أبو الحسن علی بن الحسین بن بابویه (متوفای ۳۲۹هـ)، الإمامة والتبصرة من الحيرة، ص ۹۵، تحقیق و نشر: مدرسة الإمام المهدي - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۴ هـ - ۱۳۶۳ ش.

محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران:

نجاشی می‌گوید که او در نقل حدیث مورد اعتماد بوده است:

كان ثقة في الحديث.

رجال النجاشي، ص ۳۴۸.

صفوان بن يحيى:

نجاشی می‌گوید: وی اهل کوفه و بسیار مورد اعتماد است و شخصیت برجسته‌ای دارد:

كوفي، ثقة ثقة، عين...

رجال النجاشي، ص ۱۹۷.

شیخ طوسی می‌گوید: مطمئن‌ترین فرد در دوران خود در میان عالمان حدیث و از همه آن‌ها عابد تر بود:

أوثق أهل زمانه عند أهل الحديث وأعدهم.

الفهرست، ص ۱۴۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۳۴، رقم: ۵۹۳۲.

إبراهيم بن عيسى أبو أيوب: = إبراهيم بن عثمان. = إبراهيم بن الخزاز أبو أيوب.

نجاشی می‌گوید که او مورد اعتماد و با منزلت بزرگ بود:

ثقة، كبير المنزلة، له كتاب نوادر، كثير الرواة عنه.

رجال النجاشي، ص ۲۰.

و شیخ طوسی نیز او را توثیق کرده است:

إبراهيم بن عثمان، المكنى بابي أيوب، الخزاز الكوفي، ثقة. له أصل.

الفهرست، ص ۴۱.

محمد بن مسلم بن رباح:

نجاشی می‌گوید: او در میان شیعیان کوفه قدر و منزلت داشت. فقیهی با تقوا و از یاران امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. او از این دو امام بزرگوار روایات زیادی نقل کرده و از مورد اعتماد‌ترین و مطمئن‌ترین افراد به شمار می‌رود:

وجه أصحابنا بالكوفة، فقيه، ورع، صحب أبا جعفر وأبا عبد الله عليهما السلام، وروى عنهما،

وكان من أوثق الناس.

رجال النجاشي، ص ۳۲۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۲۶۱، رقم: ۱۱۸۰۷

دسته دوازدهم: حرمت نام بردن آن حضرت در زمان غیبت

۲۹. امام صادق علیه السلام

۴- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرٌ.

علی بن رثاب از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: هیچ کس صاحب این امر را به نامش صدا نمی زند؛ مگر کسی که کافر است.

الكافي، ج ۱، ص ۳۳۳

بررسی سند روایت:

محمد بن یحیی العطار:

نجاشی می گوید: او بزرگ شیعیان در زمان خود، شخصیت برجسته آنان بود و مورد اعتماد و اطمینان است. از وی احادیث بسیاری نقل شده است:

شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث...

رجال النجاشی، ص ۳۵۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۳، رقم: ۱۲۰۱۰.

محمد بن الحسین ابی الخطاب:

نجاشی می گوید: وی فرد با عظمت در میان علمای شیعه بوده و بسیار گرانقدر است، روایات زیادی نقل کرده و مورد اعتماد است و دارای شخصیت برجسته بود. تألیفات خوبی داشت و روایات او اطمینان آور است:

جلیل من أصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایة، ثقة، عین، حسن التصانیف، مسکون إلی روایتہ...

رجال النجاشی، ص ۳۳۴.

و شیخ طوسی او را با عنوان «کوفی ثقة» یاد می کند:

کوفی، ثقة.

رجال الطوسی، ص ۳۷۹؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۳۰۸-۳۰۹، رقم: ۱۰۵۸۱.

الحسن بن محبوب:

شیخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

کوفی، ثقة. وكان جلیل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

علی بن رئاب

شیخ طوسی می گوید که مورد اعتماد و گرانقدر بود:

له أصل كبير، وهو ثقة جليل القدر.

الفهرست، ص ۱۵۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۰.

۳۰. امام هشتم علیه السلام

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می نویسد:

حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: سُئِلَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: لَا يَرَى جِسْمَهُ وَلَا يُسَمَّى بِاسْمِهِ.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۷۰.

علی بن الحسین بن بابویه:

او از فقها و از موثقین و علماء قم است، نجاشی در باره او می گوید:

شیخ القمیین فی عصره و متقدمهم، و فقیههم، و ثقتهم...

رجال النجاشی، ص ۲۶۱

و شیخ طوسی او را از فقهای بزرگ شیعه و ثقه می داند:

كان فقيها، جليلا، ثقة.

الفهرست، ص ۱۵۷

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می گوید که او بزرگ مردم قم، فقیه باسابقه و پیش کسوت بود و دارای قدر و

منزلت عظیمی است و شخصیت برجسته ای دارد:

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشی، ص ۳۸.

و شیخ طوسی می گوید که وی عالم گرانقدر، آگاه به علم رجال و در فقه تسلط کافی

داشت و مورد اعتماد بود:

جليل القدر، عارف بالرجال، موثق به... جليل القدر، بصير بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

سعد بن عبد الله الأشعري:

نجاشی او را عالم بزرگ، فقیه و چهره شناخته شده شیعه معرفی کرده است:

شیخ هذه الطائفة و فقیهها و وجهها....

رجال النجاشي، ص ۱۷۷

و شيخ طوسی نیز می گوید که او گراندقدر و قابل اعتماد بوده است:

جليل القدر، ثقة.

الفهرست، ص ۱۳۵؛ معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۷۸، رقم: ۵۰۵۸

۳. جعفر بن محمد بن محمد بن مالک فزاری:

اما در رابطه با جعفر بن محمد بن مالک باید گفت که در باره او بین علمای رجال اختلاف وجود دارد، نجاشی و ابن غضائری وی را تضعیف کرده اند؛ اما شيخ طوسی در باره او می نویسد:

جعفر بن محمد بن مالك، كوفي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۴۱۸.

و نیز ابو القاسم کوفی متوفای ۳۵۲ هـ در کتاب الإستغاثه، وی را این گونه توثیق می کند:

حدثنا جماعة من مشايخنا الثقة منهم جعفر بن محمد بن مالك الكوفي...

الاستغاثه، ج ۱، ص ۷۷.

البته تضعیف نجاشی و ابن غضائری در مقابل توثیق شيخ طوسی ارزشی ندارد؛ زیرا تضعیفات این دو بزرگوار به خاطر نقل روایاتی بوده است که در آن زمان از دیدگاه آن ها غلو محسوب می شده؛ در حالی که امروزه همه آن ها از ضروریات مذهب شیعه به حساب می آید. مرحوم علامه جلیل القدر، حاج شيخ عبد الله مامقانی در تنقیح المقال بعد از نقل تضعیفات نجاشی و ابن غضائری می نویسد:

وأقول قد نبهنا في المقدمة فوائد عشر علي أن جملة مما هو من ضروريات مذهبنا اليوم قد كان يعد في السلف الزمان غلواً و عليه فرعوا تضعيف جمع من الثقات و ظني أن ما صدر في المقام في حقه من الغمز و التضعيف ناش من روايته جملة من معجزات الأئمة سيما معجزات ولادة القائم... و تحقيق المقال أن الأقوي كون الرجل ثقة اعتماداً علي توثيق الشيخ....

در فوائد دهگانه در مقدمه کتابمان گفتیم که برخی از مسائل که امروز از ضروریات مذهب شمرده می شود در گذشته آن را غلو می دانسته اند که بر همین اساس هم جمعی از راویان مورد ثقة را تضعیف می کرده اند و من فکر می کنم آنچه که در مورد جعفر بن محمد مالک از ضعف و غیر آن گفته شده است ناشی از نقل او معجزات ائمه مخصوصاً داستان ولادت حضرت مهدی علیه السلام باشد..... نتیجه این تحقیق آن است که وی بنا بر سخن شيخ طوسی ثقة است.

تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۲۶، باب جعفر.

علامه محقق نمازی شاهرودی می نویسد:

والتحقيق أن الأقوى كون الرجل من الثقات المعتمدين اعتمادا على توثيق الشيخ، وأبي القاسم الكوفي في كتاب الاستغاثة، والعلامة المامقاني في رجاله.

رای محکمتر در باره جعفر بن محمد مالک کوفی این است که بگوئیم: بنا بر توثیق شیخ و ابو القاسم کوفی در کتاب استغاثه و مامقانی در کتاب رجالش، ثقه و مورد اعتماد است.
مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۲، ص ۲۱۳، رقم: ۲۸۳۰.

علی بن الحسن بن علی بن فضال:

نجاشی می گوید که او فقیه شیعیان در کوفه، چهره سرشناس، مورد اعتماد و آشنا به علم حدیث بود:

كان فقيه أصحابنا بالكوفة، ووجههم، وثقتهم، وعارفهم بالحديث، والمسموع قوله فيه.
رجال النجاشي، ص ۲۵۷.

الريان بن الصلت

نجاشی می گوید که او مورد اعتماد و بسیار راستگو بوده است:

روى عن الرضا عليه السلام، كان ثقة صدوقا.
رجال النجاشي، ص ۱۶۵

و شیخ طوسی نیز می گوید که او مورد اعتماد و اصالتا اهل خراسان بوده است:
بغدادی، ثقة، خراسانی الأصل.

رجال الطوسي، ص ۳۵۷

معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۱۷

دسته سیزدهم: اتفاقات قبل از ظهور

۳۱. جبرئیل نخستین کسی که با حضرت مهدی علیه السلام بیعت می کند:

این روایت را شیخ صدوق این گونه نقل می کند:

۱۸- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْلَ مَنْ يَبَايِعُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ جِبْرَائِيلُ يَنْزِلُ فِي صُورَةِ طَيْرٍ أبيضٍ فَيَبَايِعُهُ ثُمَّ يَضَعُ رِجْلًا عَلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَرِجْلًا عَلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ثُمَّ يَنَادِي بِصَوْتٍ طَلِقَ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ».

امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین کسی که با حضرت قائم علیه السلام بیعت می کند، جبرئیل است که به صورت پرنده سفید رنگ نازل می شود و با آن حضرت بیعت می کند؛ سپس یک پایش را بر بیت الله الحرام و پای دیگر خود را بر بیت المقدس می گذارد و سپس با صدای رسا که همه خلایق می شنود، فریاد می زند: «فرمان

خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان،) فرا رسیده است؛ پس برای آن عجله نکنید! منزّه و برتر است خداوند از آنچه همتای او قرار می دهند».

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۱

محمد بن الحسن بن ولید:

نجاشی می گوید: بزرگ مردم قم، فقیه و پیش کسوت آنان به شمار می رفت، وی بسیار مورد اعتماد و مطمئن بود و شخصیت برجسته ای داشت.

شیخ القمیین و فقیههم، و متقدمهم و وجههم ثقة ثقة، عین...

رجال النجاشی، ص ۳۸۳.

شیخ طوسی می گوید: وی گرانقدر و والا مقام است، به علم رجال تسلط دارد و مورد اعتماد است. در فقه نکته سنج و آگاه و مطمئن است».

جلیل القدر، عارف بالرجال، موثق به... جلیل القدر، بصیر بالفقه، ثقة.

الفهرست، ص ۲۳۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۲۰، رقم: ۱۰۴۹۰.

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار:

نجاشی می گوید: در میان عالمان شیعه قم، دارای قدر و منزلت، مورد اعتماد، گرانقدر و برتر از دیگران بوده و روایات او، افتادگی کمتری داشت:

كان وجهها في أصحابنا القميين، ثقة، عظيم القدر، راجحاً، قليل السقط في الرواية.

رجال النجاشی، ص ۳۵۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۶۳، رقم: ۱۰۵۳۲.

يعقوب بن يزيد:

نجاشی می گوید: وی مورد اعتماد و بسیار صادق و راستگو بود:

وكان ثقة صدوقاً...

رجال النجاشی، ص ۴۵۰.

شیخ طوسی می گوید: وی روایات بسیاری نقل کرده و مورد اعتماد است:

كثير الرواية، ثقة.

الفهرست، ص ۲۶۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۱، ص ۱۵۶، رقم: ۱۳۷۷۸.

محمد بن أبي عمير:

وی از برترین راویان شیعه و از اصحاب اجماع به شمار می رود؛ یعنی از افرادی است که هر روایتی که با سند صحیح به آنها برسد، شیعیان اتفاق بر قبول آن دارند.

نجاشی در باره او می گوید: وی از نظر ما و حتی مخالفان، عالم گرانقدر و والا مقام

است:

جليل القدر، عظيم المنزلة فينا وعند المخالفين...

رجال النجاشي، ص ۳۲.

و شيخ طوسی می گوید: وی مطمئن ترین، زاهدترین، با تقواترین و عابدترین شخص نزد شیعه و سنی است:

وكان من أوثق الناس عند الخاصة والعامة، وأنسكهم نسكا، وأورعهم وأعبدهم.

الفهرست، ص ۲۱۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، رقم: ۱۰۰۴۳.

أبان بن عثمان الأحمر:

مرحوم کشی او را جزء اصحاب اجماع آورده است:

أجمعت العصابة على تصحيح ما يصح من هؤلاء وتصديقهم لما يقولون وأقروا لهم بالفقه، من دون أولئك الستة الذين عددناهم وسميناهم، ستة نفر: جميل بن دراج. وعبد الله بن مسكان، وعبد الله بن بكير، وحماد بن عيسى، وحماد ابن عثمان، وأبان بن عثمان.

تمام شیعیان اجماع دارند بر تصحیح روایاتی که با سند صحیح از این افراد نقل شود و همچنین بر راستگو بودن آنها اجماع دارند:...

رجال الكشي، ج ۲، ص ۶۷۳.

و همین مطلب برای اثبات وثاقت او کافی است.

أبان بن تغلب:

نجاشی می نویسد که او محضر سه امام علیه السلام را درک و جایگاه خاصی نزد آن بزرگواران داشته و شیعیان نیز برای او موقعیت ممتازی قائل بودند:

عظيم المنزلة في أصحابنا، لقي علي بن الحسين، وأبا جعفر، وأبا عبد الله عليه السلام وروى عنهم، وكانت له عندهم منزلة وقدم.

رجال النجاشي، ص ۱۰.

شیخ طوسی نیز می گوید که او جایگاه ویژه نزد شیعیان داشته و گرانقدر و محترم بوده است:

ثقة، جليل القدر، عظيم المنزلة في أصحابنا.

الفهرست، ص ۵۷؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۱۳۱، رقم: ۲۸.

۳۲. سیصد و سیزده یار حضرت مهدی علیه السلام

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَيَاتِي فِي مَسْجِدِكُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا يَعْنِي مَسْجِدَ مَكَّةَ يَعْلَمُ أَهْلُ مَكَّةَ أَنَّهُ لَمْ يَلِدْهُمْ أَبَاؤُهُمْ وَلَا أَجْدَادُهُمْ عَلَيْهِمُ السُّيُوفُ

مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ سَيْفٍ كَلِمَةٌ تَفْتَحُ أَلْفَ كَلِمَةٍ فَيَبْعَثُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رِيحاً فَتَنَادِي بِكُلِّ وَادٍ هَذَا الْمَهْدِيُّ يَقْضِي بِقَضَاءِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَلَا يُرِيدُ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ.

ابان بن تغلب گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

در همین مسجد شما یعنی در مکه به زودی سیصد و سیزده مرد می آیند که اهل مکه بخوبی می دانند آنها را پدران و نیاکان آنان به دنیا نیاورده اند (آنها را نمی شناسند). به دست آنها شمشیرهای است که بر هر کدام آنها کلمه ای نوشته شده که هزار کلمه از آن گشوده می شود؛ پس خداوند بادی می فرستد تا هر وادی فریاد بزنند که این مهدی است و به روش داود و سلیمان و قضاوت می کند و برای حکم خود بینه و شاهد نمی طلبد. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۱.

۳۳. صالح و بد کردار را می شناسد

بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَقُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِ الرَّحْمَنِ إِلَّا عَرَفَهُ صَالِحٌ هُوَ أَمْ طَالِحٌ لَأَنَّ فِيهِ آيَةً لِلْمُتَوَسِّمِينَ وَهِيَ بِسَبِيلِ مُقِيمٍ.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود ک هنگامی که قائم علیه السلام ظهور کند کسی از آفریدگان خداوند روبرویش نمی ایستد؛ مگر اینکه می شناسد که او صالح است یا بدکار؛ زیرا در او نشانه ای است برای هوشیاران و این نشانه های است که در راه استوار است (همگان می توانند آن را ببینند). کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۱.

بررسی سند روایت

سند این روایت، همان سند روایت قبلی است که صحتش ثابت شد.

۳۴. برای حکم کردن نیازی به بینه و شاهد ندارد:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَمَانٌ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ بِحُكْمِ اللَّهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - الْقَائِمَ مِنَ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَيَحْكُمُ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُرِيدُ عَلَى ذَلِكَ بَيِّنَةٌ الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ وَمَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ رَقَبَتَهُ.

ابان بن تغلب گفت: امام صادق علیه السلام فرمود:

در اسلام دو خون مباح است که احدی به حکم خدای عز و جل در آنها قضاوت نمی کند؛ تا این که خداوند امام قائم را برمی انگیزد و او به حکم خدای عز و جل در آن حکم کند؛ اما بینه نمی خواهد، یکی زانی محصن است که او را سنگسار می کند و دیگری مانع الزکاة است که او را گردن می زند. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۱.

۳۵. بعد از ظهور، ساکن پشت نجف (کوفه) می شود و فرشتگان او را همراهی و کمک می کنند:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ فَإِذَا اسْتَوَى عَلَى ظَهْرِ النَّجْفِ رَكِبَ فَرَسًا أَدْهَمَ أَبْلَقَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرَاخٌ ثُمَّ يَنْتَفِضُ بِهِ فَرَسُهُ فَلَا يَبْقَى أَهْلُ بَلَدَةٍ إِلَّا وَهُمْ يَظُنُّونَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَإِذَا نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ انْحَطَّ إِلَيْهِ ثَلَاثَةَ عَشَرَ أَلْفَ مَلِكٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَكًا كُلُّهُمْ يَنْتَظِرُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُمْ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السَّفِينَةِ وَالَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَكَانُوا مَعَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثُ رُفِعَ وَأَرْبَعَةَ أَلْفٍ مُسَوِّمِينَ وَمُرَدِّفِينَ وَثَلَاثِمِائَةَ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ مَلَكًا يَوْمَ بَدْرٍ وَأَرْبَعَةَ أَلْفٍ مَلِكٍ الَّذِينَ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَلَمْ يُؤْذَنَ لَهُمْ فَصَعِدُوا فِي الْأَسْتِزْدَانِ وَهَبَطُوا وَقَدْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَهُمْ شَعَثٌ غَيْرٌ يَبْكُونَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَا بَيْنَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى السَّمَاءِ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ.

ابان بن تغلب گفت: امام ششم فرمود: گویا می بینم که قائم علیه السلام به پشت نجف رسیده است و هنگامی که در آن جا مستقر می شود سوار اسب تیره رنگ ابلقی می شود که میان دو چشمش خط سپیدی است. سپس اسبش او را از جا بکند و هیچ شهری نماند که گمان نبرند قائم در شهرهای خودشان با آنها است و چون پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را برافراشد سیزده هزار و سیزده فرشته از آسمان براو فرود می آیند که همه منتظر هستند قائم علیه السلام چه دستوری می دهد.

این فرشتگان همان فرشتگانی هستند که با نوح علیه السلام در کشتی بودند و با ابراهیم علیه السلام وقتی که در آتش افکنده شد همراه بودند و با عیسی علیه السلام بودند هنگامی که بالا برده شد. و چهار هزار فرشته نشان دار به همراه سیصد و سیزده فرشته که در روز بدر فرود آمدند و چهار هزار فرشته ای که در زمین کربلا فرود آمدند تا به همراه حسین بن علی علیه السلام با لشکر یزید نبرد کنند؛ اما به آنها اجازه داده نشد و به آسمان برگشتند تا کسب تکلیف کنند و پس از شهادت حسین علیه السلام دو باره به زمین کربلا فرود آمدند و پریشان و گرد آلود بالای قبر او تا روز قیامت گریه می کنند و در آسمان میان قبر حسین علیه السلام و آسمان محل رفت و آمد فرشتگان است.

کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۷۱- ۶۷۲.

۳۶. پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در نجف به اهتزاز درمی آورد

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي بَانَ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو حَمَزَةَ الثُّمَالِيُّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ ظَهَرَ عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ عَلَى النَّجْفِ نَشَرَ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَمُودَهَا مِنْ عَمُدِ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى وَسَائِرُهَا مِنْ نَصْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَهْوَى بِهَا إِلَى

أَحَدٍ إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ تَعَالَى. قَالَ قُلْتُ: أَوْ تَكُونُ مَعَهُ أَوْ يُؤْتَى بِهَا؟ قَالَ: بَلَى [بَلْ] يُؤْتَى بِهَا يَأْتِيَهُ بِهَا جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

ابو حمزه ثمالی گفتک امام باقر علیه السلام فرمود: گویا قائم را می‌نگرم که در کوفه پشت نجف ظهور کرده است و چون به نجف می‌رسد پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را برافرازد که عمودش از عمودهای عرش خدای تعالی است و ابزارهای دیگری دارد از نصرت خدای جل جلاله میباشد و آن را بر کسی فرود نیاورد؛ مگر آن که خدای تعالی او را نابود می‌سازد،

ابو حمزه گفت: عرض کردم: این پرچم با او بوده است یا برای او می‌آوردند؟ فرمود: برای او می‌آورند. جبرئیل علیه السلام آن را می‌آورد. کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۲؛ ص ۶۷۱.

بررسی سند روایت:

تنها تفاوت در سند این روایت با روایات قبلی، ابو حمزه ثمالی است که او نیز ثقة است:

ابو حمزه الثمالی:

ثابت بن دینار یا ثابت ابی صفیه، مشهور به ابو حمزه ثمالی، از یاران خاص امام سجاد علیه السلام بود و توسط بزرگان شیعه توثیق شده است. شیخ طوسی گفته است که او مورد اعتماد بود: ثقة.

الفهرست، ص ۹۰.

و نجاشی در باره او می‌نویسد:

وی از اهالی کوفه و مورد اعتماد است. از شیعیان برگزیده، تأیید شده و مورد اعتماد آنان در نقل روایت به شمار می‌رود:

کوفی، ثقة... وکان من خيار أصحابنا وثقاتهم، ومعتمدیهم، فی الروایة والحديث.

رجال النجاشی، ص ۱۱۵.

و شیخ صدوق نیز در مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه در توصیف او می‌نویسد:

وهو ثقة، عدل.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۴.

دسته چهاردهم: اتفاقات و علائم ظهور

۳۷. خروج سفیانی، کشته شدن نفس زکیه و...

شیخ صدوق در کتاب شریف کمال الدین می‌نویسد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: **إِنَّ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتَمِ** قَالَ لِي نَعَمْ وَاخْتِلَافٌ وَوُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتَمِ وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتَمِ وَخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَحْتَمِ فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ يَكُونُ ذَلِكَ النِّدَاءُ؟ قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ فِي آخِرِ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي السُّفْيَانِيِّ وَشِيعَتِهِ فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمَبْطُلُونَ.

ابو حمزه ثمالی گفت: به امام ششم عرض کردم: امام باقر علیه السلام می فرمود: خروج سفیانی امر حتمی است، فرمود: آری عرض کردم: حتمی است؟ فرمود آری، اختلاف بنی عباس نیز حتمی است، کشته شدن نفس زکیه هم حتمی است، ظهور قائم هم حتمی است
 عرض کردم: این نداء چگونه خواهد بود؟ فرمود: یک منادی اول روز از آسمان فریاد می زند: آگاه باشید حق با علی و شیعیان او است و در آخر همان روز ابلیس ملعون فریاد می زند حق با سفیانی و شیعیان او است. کسانی که دنبال باطل هستند با ندای شیطان فریب می خوردند.
 کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۵۲.

بررسی سند روایت

محمد بن موس المتوکل:

سید بن طاووس در سندی که محمد بن موس المتوکل در سلسله آن وجود دارد، گفته: «ورواة الحديث ثقات بالاتفاق»

فلاح السائل، ص ۱۵۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۳۰۰، رقم: ۱۱۸۷۸.
 و همین برای اثبات وثاقت او کفایت می کند.

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ:

نجاشی می گوید که او بزرگ قمی ها و چهره سرشناس آنان بود:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري أبو العباس القمي. **شيخ القميين و**

وجههم.

رجال النجاشي، ص ۲۱۹

و شیخ طوسی نیز او را در دو کتاب خود توثیق کرده است:

علیه السلام جعفر الحميري القمي، یکنی أبا العباس، **ثقة...**

الفهرست، ص ۱۶۸.

عبد الله بن جعفر الحميري، قمي، **ثقة.**

رجال الطوسي، ص ۴۰۰

احمد بن محمد بن عیسیٰ الأشعری:

وی از بزرگان قم و دارای منزلتی عظیم در میان آنان بود. شیخ طوسی می گوید:

شیخ قم، ووجهها، و فقیهها.

الفهرست، ص ۶۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۸۷، رقم: ۹۰۲.

حسن بن محبوب:

شیخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از

ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

کوفی، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

ابو حمزة الثمالي:

ثابت بن دینار یا ثابت ابي صفیه، مشهور به أبو حمزه ثمالی، از یاران خاص امام سجاد

علیه السلام بود و توسط بزرگان شیعه توثیق شده است. شیخ طوسی گفته است که او مورد

اعتماد بود:

ثقة.

الفهرست، ص ۹۰.

و نجاشی در باره او می نویسد:

وی از اهالی کوفه و مورد اعتماد است. از شیعیان برگزیده، تأیید شده و مورد اعتماد آنان

در نقل روایت به شمار می رود:

کوفی، ثقة... وكان من خيار أصحابنا وثقاتهم، ومعتد بهم، في الرواية والحديث.

رجال النجاشي، ص ۱۱۵.

و شیخ صدوق نیز در مشیخه کتاب من لا یحضره الفقیه در توصیف او می نویسد:

وهو ثقة، عدل.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۴.

۳۸. قبل از ظهور مردم به گرسنگی و... امتحان می شوند

ابن ابی زینب نعمانی در کتاب الغیبه می نویسد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَائِبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قُدَامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ بَلَوَى مِنَ اللَّهِ تَعَالَى لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ وَمَا هِيَ قَالَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَنَبَلُوَنَّكُمْ

بَشِيءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالشَّمَرَاتِ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ» قَالَ لِنَبَلِّغَنَّكُمْ يَعْزِي الْمُؤْمِنِينَ بَشِيءٍ مِنَ الْخَوْفِ مِنْ مُلُوكِ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَالْجُوعِ بَعْدَ أَسْعَارِهِمْ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ فَسَادِ التَّجَارَاتِ وَقِلَّةِ الْفَضْلِ فِيهَا وَالْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ ذَرِيْعٍ وَالشَّمَرَاتِ قِلَّةٌ رِيْعٌ مَا يُزْرَعُ وَقِلَّةٌ بَرَكَةٌ الثَّمَارِ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

همانا پیش از قیام قائم علیه السلام نشانه‌هایی خواهد بود از جمله: آزمایش (به گرفتاری) از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان.

عرض کردم: آن آزمایش چیست؟ فرمود: همان فرمایش خدای عز و جل است که «قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مالها و جانها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان».

آن حضرت فرمود: «حتماً شما را خواهیم آزمود» یعنی مؤمنان را «به چیزی از ترس» از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان «و گرسنگی» با گرانی نرخ‌هایشان.

و «کاستی در مالها» منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن رشد و سود در آن.

«و جانها» حضرت (در باره آن) فرمود: یعنی مرگ زودرس «و میوه‌ها» کم شدن باروری آنچه کاشته می‌شود و کمبود برکت میوه‌ها و محصولات مراد است، «و بردباران را بشارت ده» در هنگام خروج قائم علیه السلام به آن‌ها بشارت بده

سپس به من فرمود: ای محمد این تأویل آن است، همانا خدای عز و جل می‌فرماید: «و تأویل آن را جز خدا و پدیداران در علم کسی نمی‌داند».

ابن ابی زینب النعمانی، أبو عبد الله محمد بن ابن إبراهيم بن جعفر الکاتب (متوفای ۳۶۰هـ)، الغيبة، ص ۲۵۹، تحقیق: فارس حسون کریم، ناشر: أنوار الهدی - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ

بررسی سند روایت:

محمد بن ابی بکر همام:

نجاشی می‌گوید که او بزرگ شیعیان و پیشتاز آنان بود، او مقام بلندی داشت و روایات زیادی نقل کرده است:

شیخ أصحابنا و متقدمهم، له منزلة عظيمة، كثير الحديث.

رجال النجاشي، ص ۳۷۹.

و شیخ طوسی می‌گوید که او گرانقد و مورد اعتماد بود:

جليل القدر، ثقة. له روايات كثيرة.

الفهرست، ص ۲۱۷.

عبد الله بن جعفر الحميري:

نجاشی می گوید که او بزرگ قمی ها و سرشناس آنان بود:

عبد الله بن جعفر بن الحسين بن مالك بن جامع الحميري أبو العباس القمي. شيخ القميين و

وجههم.

رجال النجاشي، ص ۲۱۹

و شيخ طوسی نیز او را در دو کتاب خود توثیق کرده است:

عبد الله بن جعفر الحميري القمي، يکنى أبا العباس، ثقة....

الفهرست، ص ۱۶۸.

عبد الله بن جعفر الحميري، قمي، ثقة.

رجال الطوسي، ص ۴۰۰

الحسن بن محبوب:

شيخ طوسی می گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از

ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

كوفي، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ۹۶؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۹۶، رقم: ۳۰۷۹.

علی بن رثاب:

شيخ طوسی می گوید: علی بن رثاب اهل کوفه و کتاب او یکی از اصول (چهارصدگانه

حدیث شیعه در زمان ائمه) بود. وی بسیار گرانقدر و مورد اعتماد بود:

علي بن رثاب الكوفي: له أصل كبير، وهو ثقة جليل القدر.

الفهرست، ص ۱۵۱؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۰، رقم: ۸۱۳۹.

محمد بن مسلم بن رباح:

نجاشی می گوید: او در میان شیعیان کوفه قدر و منزلت داشت. فقیهی با تقوا و از یاران

امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. او از این دو امام بزرگوار روایات زیادی نقل کرده و

از مورد اعتماد ترین و مطمئن ترین افراد به شمار می رود:

وجه أصحابنا بالكوفة، فقيه، ورع، صحب أبا جعفر وأبا عبد الله عليهما السلام، وروى عنهما،

وكان من أوثق الناس.

رجال النجاشي، ص ۳۲۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۸، ص ۲۶۱، رقم: ۱۱۸۰۷.

۳۹. ندای جبرئیل قبل از ظهور

شيخ طوسی با سند خود از فضل بن شاذان نقل می کند:

وَ عَنْهُ (الفضل بن شاذان) عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْفَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا قَامَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ.

گوینده‌ای از آسمان حضرت قائم علیه السلام را به نامش صدا می‌زند؛ به طوری که مردم در شرق و غرب آن را می‌شنوند پس کسی به خواب رفته بیدار شده و می‌ایستد و هر کس ایستاده روی زمین می‌نشیند و هر کس نشسته برمی‌خیزد و آن صدای جبرئیل امین است.

الطوسي، الشيخ ابو جعفر محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، كتاب الغيبة، ص ٤٥٤، ح ٤٦٢، تحقيق الشيخ عباد الله الطهراني / الشيخ علي احمد ناصح، ناشر: مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة: الأولى، ١٤١١هـ.

بررسی سند روایت

سند شیخ طوسی تا فضل بن شاذان صحیح است؛ چنانچه آیت الله خوئی رضوان الله تعالی علیه در این باره می‌گوید:

نعم إن طريق الشيخ إليه في المشيخة صحيح.

معجم رجال الحديث، ج ١٤، ص ٣١٨.

الفضل بن شاذان:

نجاشی می‌گوید که او مورد اعتماد و یکی از فقها و متکلمین شیعه بود، و در بین شیعیان دارای شأن و مقام، ارزش و مقام او مشهورتر از آن است که من او را توصیف کنم: وکان ثقة، أحد أصحابنا الفقهاء والمتكلمين. وله جلاله في هذه الطائفة، وهو في قدره أشهر من أن نصفه.

رجال النجاشي، ص ٣٠٧

حسن بن محبوب:

شیخ طوسی می‌گوید که وی اهل کوفه و مورد اعتماد است. بسیار گرانقدر و یکی از ارکان چهارگانه عصر خویش بوده است:

كوفي، ثقة. وكان جليل القدر، يعد في الأركان الأربعة في عصره.

الفهرست، ص ٩٦؛ معجم رجال الحديث، ج ٦، ص ٩٦، رقم: ٣٠٧٩.

أبو أيوب الخزاز:

نجاشی می‌گوید که او مورد اعتماد و دارای مقام بلند در نزد شیعیان بود:

إبراهيم بن عيسى أبو أيوب الخراز وقيل إبراهيم بن عثمان، روى عن أبي عبد الله وأبي الحسن عليهما السلام، ذكر ذلك أبو العباس في كتابه، ثقة، كبير المنزلة له كتاب نوادر كثير الرواة.

رجال النجاشي، ص ٢٠

و شیخ طوسی نیز می گوید که او مورد اعتماد است:

إبراهیم بن عثمان، المکنی بابی ایوب، الخزاز الکوفی، ثقة. له أصل.

الفهرست، ص ۴۱.

محمد بن مسلم بن ریاح:

نجاشی می گوید: او در میان شیعیان کوفه قدر و منزلت داشت. فقیهی با تقوا و از یاران امام باقر و امام صادق علیهما السلام است. او از این دو امام بزرگوار روایات زیادی نقل کرده و از مورد اعتماد ترین و مطمئن ترین افراد به شمار می رود:

وجه أصحابنا بالكوفة، فقیه، ورع، صحب أبا جعفر وأبا عبد الله علیهما السلام، وروی عنهما، وکان من أوثق الناس.

رجال النجاشی، ص ۳۲۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۶۱، رقم: ۱۱۸۰۷

۴۰. کشته شدن پانزده جوان میان مکه و مدینه

شیخ طوسی در کتاب الغیبه می نویسد:

الْفَضْلُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ مِنْ عِلْمَاتِ الْفَرَجِ حَدَثًا يَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ قُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ [يَكُونُ] الْحَدِيثُ فَقَالَ عَصَبِيَّةٌ تَكُونُ بَيْنَ الْحَرَمَيْنِ وَ يَقْتُلُ فُلَانٌ مِنْ وُلْدِ فُلَانٍ خَمْسَةَ عَشَرَ كَبْشًا.

یکی از علائم فرج حادثه‌ای است که در بین حرمین (مکه و مدینه) روی می دهد. عرض کردم: آن حادثه چیست؟ فرمود: تعصبی در بین حرمین بوقوع می پیوندد؛ و فلانی از اولاد فلان پانزده جوان دلاور را می کشد. الغیبه، ص ۴۴۸.

بررسی سند روایت

سند شیخ طوسی تا فضل بن شاذان در روایت قبلی بررسی شد:

أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي:

نجاشی می گوید که او با امام رضا و امام جواد علیهما السلام ملاقات کرده و مقام بزرگی نزد آن دو امام داشت:

كوفي لقي الرضا وأبا جعفر عليهما السلام، وکان عظیم المنزلة عندهما.

رجال النجاشی، ص ۷۵.

شیخ طوسی می گوید که امام رضا علیه السلام را ملاقات کرد و مقام بلندی نزد آن حضرت داشت:

كوفي ثقة، لقي الرضا عليه السلام وکان عظیم المنزلة عنده.

تا این جا چهل حدیث از کتاب‌های شیعه با سند صحیح نقل شد که به روشنی اعتقاد شیعیان به مهدویت را ثابت می‌کند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که ما مدعی نیستیم روایات صحیح مهدویت به همین چهل حدیث محدود می‌شود؛ بلکه این روایات به صدها روایت می‌رسد که به جهت اختصار تنها به همین چهل حدیث بسنده کردیم.

نتیجه نهایی

روایات مهدویت از دیدگاه شیعه و سنی با سندهای صحیح و به صورت متواتر نقل شده است؛ بنابراین انکار عده‌ای نا آگاه ضرری به اعتقاد مهدویت نمی‌زند و تنها بی‌سوادی، عناد و بی‌آبرویی مدعی را ثابت می‌کند.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)